

فرا تحلیل رابطه فرهنگ سیاسی با مشارکت سیاسی

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی (سال پنجم)
شماره ۱۶ / تابستان ۱۳۹۸ / ص ۸۰-۱۰۲

حسن شجاعی^۱، مهدی شجاعی^۲

^۱ کارشناس ارشد جامعه شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

^۲ کارشناس ارشد جامعه شناسی دانشگاه یاسوج

مسئول مکاتبات و نویسنده مسئول:

حسن شجاعی

چکیده

این تحقیق به بررسی رابطه فرهنگ سیاسی با مشارکت سیاسی با استفاده از رویکرد فرا تحلیل می‌پردازد. تحقیق حاضر از نظر هدف، توصیفی و از نظر نوع استفاده، کاربردی است. جامعه آماری تحقیق، شامل پایان نامه‌های کارشناسی ارشد، دکترا و مقالات مرتبط با فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی بود که تعداد ۱۰ مورد با استفاده از روش نمونه‌گیری غیر تصادفی هدفمند به عنوان نمونه وارد فرایند فراتحلیل شدند. در گام نخست ارزیابی پژوهش‌های منتخب، مفروضات همگنی و خطای انتشار مورد بررسی قرار گرفتند؛ بر این اساس یافته‌ها، برای مطالعه فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی، حکایت از ناهمگنی اندازه اثر و عدم سوگیری انتشار داشتند. در مرحله دوم، ضریب اندازه اثر با به کارگیری نسخه دوم نرم افزار CMA2 مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج حاصله نشان دادند که اندازه اثر یا ضریب تأثیر مطالعات فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی معادل ۰/۳۸۲ است که در حد متوسط رو به بالا ارزیابی می‌شود.

کلمات کلیدی: مشارکت سیاسی، فرهنگ سیاسی، فراتحلیل

مقدمه و بیان مسئله :

از نظر آمارتیا سن^۱، مشارکت «چارچوب اساسی توسعه» است؛ زندگی شخصی و اجتماعی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب بهزیستی انسان می‌شود (حیدری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۲). مشارکت به طور کلی به معنای تلاش‌های جمعی و پیوسته مردم در تعیین اهداف، تشریک منابع و اجرای اقداماتی که هدف آن بهبود شرایط زندگی آنهاست و به سه بعد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تقسیم می‌شود. مشارکت اجتماعی به عنوان دخالت فرد در فعالیت‌های تعاملی با دیگران در جامعه تعریف می‌شود. بسیاری از محققان مشارکت اجتماعی را شاخص سلامت، رفاه و رفتارهای مثبت اجتماعی در نظر می‌گیرند. مشارکت اقتصادی عبارت است از فرایندی اثرگذار در توسعه روستایی که به تقسیم قدرت و منابع کمیاب و فراهم‌سازی فرصت‌ها برای رده‌های پایین جامعه، به خصوص زنان، منجر می‌شود؛ به طوریکه بهبود شرایط آنها را در پی دارد. همچنین، مشارکت سیاسی یا مدنی به معنای آن دسته از فعالیت‌هایی است که در آن اعضای جامعه در انتخاب حاکمان و رهبران و شکل‌گیری سیاست‌های عمومی به طور مستقیم مشارکت داشته باشند. این نوع از مشارکت (یزدان‌پناه و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۰۵)، یکی از موضوع‌هایی است که امروزه تقریباً در تمامی کشورهای دموکراتیک مورد توجه قرار گرفته است زیرا مشارکت سیاسی یکی از حوزه‌های فعالیت بشری است که مستلزم تصمیم‌گیری و انتخاب آگاهانه در راستای توسعه سیاسی است که بر جنبه‌های دیگر توسعه تأثیرگذار است و این نوع مشارکت متغیری است که در یک جامعه از گروهی به گروه دیگر تغییر می‌کند (زارعی، ۱۳۹۶: ۲۰).

پیانوریس^۲ با توجه به رشد گونه‌های نامتعارف مشارکت سیاسی در همه دموکراسی‌ها که از ظهور جنبش‌های اجتماعی جدید و رشد یک فرهنگ سیاسی فرامادی و نیز گسترش سیاست‌های پسامردن در جوامع توسعه‌یافته و پیشرفته سرچشمه گرفته است، مشارکت سیاسی را چنین تعریف می‌کند: «هر بعدی از فعالیت که به گونه‌ای طراحی شده است که مستقیماً بر نهادهای حکومتی و فرایند سیاست‌گذاری یا غیرمستقیم بر جامعه مدنی تأثیر گذارد، یا به این منظور صورت می‌گیرد که الگوهای نظام‌مند رفتار اجتماعی را تغییر دهد» (عبدالله، ۱۳۹۶: ۳۳ - ۳۲). بنابراین تمامی نظام‌های سیاسی با وسواس زیادی به سنجش و ارزیابی مستمر میزان مشارکت سیاسی شهروندان خود می‌پردازند. چرا که مشارکت سیاسی به میزان زیادی بیانگر نوع نظام سیاسی در هر جامعه‌ای می‌باشد و علاوه بر این رابطه تنگاتنگی با مشروعیت نظام سیاسی دارد. براساس تئوری‌های سیاسی میزان مشارکت سیاسی متوسط و بالا تا حدودی بیانگر میزان مقبولیت و مشروعیت ساختار رسمی قدرت است. مشارکت سیاسی دارای سطوح متفاوتی است که از درگیر شدن فعال فرد و احراز نقش‌های سیاسی تا حالت انفعال یعنی عدم درگیری فرد را شامل می‌شود. با رونق فزاینده بحث مشارکت سیاسی در دهه‌های اخیر، هم‌اکنون این بحث یکی از مهمترین و اساسی‌ترین مفاهیم در علوم سیاسی و اجتماعی واقع شده است؛ به طوریکه امروزه متفکران و صاحب‌نظران توسعه، مشارکت را از مهمترین ارکان توسعه می‌دانند که از ضرورت‌های جدانشدنی و انکارناپذیر نظام‌های سیاسی در قرن حاضر است؛ تا جایی که اصلی‌ترین شاخص توسعه یافتگی سیاسی در جهت پاسخ به نیاز فزاینده مشارکت سیاسی و نهادینه کردن آن در قالب نهادهای مدنی، جریان دارد. در تحقیقات مختلفی که در این زمینه صورت گرفته است عواملی نظیر ویژگی‌های شخصیتی، ماهیت حکومت، پایگاه اجتماعی و اقتصادی، سرمایه اجتماعی و غیره به منزله عوامل تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی مطرح شده‌اند (خوش‌فر و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۰). یکی دیگر از متغیرهای تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی فرهنگ سیاسی می‌باشد (مسهودنیا و مهدی‌پور، ۱۳۸۹؛ امینی و خسروی، ۱۳۸۹؛ عزیزی، ۱۳۹۰؛ جوج و گله‌دار، ۱۳۹۰؛ پناهی و بنی‌فاطمه، ۱۳۹۴). به روشنی می‌توان دریافت که فرهنگ سیاسی زادگاه مشارکت سیاسی است و هر نوع اصلاح امور سیاسی را باید از اصلاح فرهنگ سیاسی شروع کرد. اگر می‌خواهیم مشارکت از وضعیت برانگیخته و توده‌ای به حالت خودانگیخته و عقلانی تحول یابد باید فرهنگ سیاسی جامعه اصلاح گردد، اگر می‌خواهیم از بی‌تفاوتی سیاسی جامعه جلوگیری کنیم باید فرهنگ سیاسی جامعه را متحول کنیم. فرهنگ سیاسی متغیر مستقل است و مشارکت سیاسی متغیر وابسته با اصلاح متغیر مستقل متغیر وابسته نیز اصلاح می‌شود. فرهنگ سیاسی تولیدکننده مشارکت سیاسی است. هرچه فرهنگ سیاسی از فرهنگ انقیاد و تابعیت به طرف فرهنگ مشارکتی تغییر یابد میزان مشارکت سیاسی افزایش می‌یابد و نوع آن متفاوت می‌شود. بشیریه در کتاب موانع سیاسی در ایران فرهنگ سیاسی را یک زمینه ذهنی موثر بر مشارکت سیاسی معرفی می‌کند و می‌نویسد عقیده یا نگرش الیت حاکمه در زمینه تسهیل یا منع مشارکت و رقابت در سیاست موثر است و یا دست‌کم بیش از عقاید بقیه مردم تأثیر دارد (عزیزی، ۱۳۹۰: ۳).

از آنجا که فرهنگ سیاسی از متغیرهای مهم و تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی است، این مطالعه در صدد آن است به وسیله فراتحلیل به بررسی این تأثیرگذاری بپردازد. فراتحلیل عبارت از رویکرد کمی/عددی است که برای ترکیب نظام‌مند/روش‌مند تحقیقات قبلی و آنچه که توسط محققین پیشین انجام شده است برای دستیابی به جمع‌بندی درباره بدنه تحقیق و کشف دانش جدید انجام می‌شود. این روش

کمی می‌تواند به اثربخشی یافته‌ها، کشف خلأ علمی و برنامه‌ریزی برای پژوهش‌های جدید در زمینه موضوع کاربردی مورد نظر منجر می‌شود (قربانی زاده و حسن نانگیر، ۱۳۹۳: ۲۵). نتایج فراتحلیل منعکس کننده طیف وسیعی از ویژگی‌های پژوهشی است، در مقایسه با تحقیقات مستقل نتایج حاصل از آن از تعمیم پذیری بالایی برخوردار است (خیراندیش و لطیفی جلیسه، ۱۳۹۶: ۴۴). فراتحلیل شیوه‌ای دقیق برای ترکیب هدفمند نتایج مطالعات متعدد برای رسیدن به یک برآورد بهتر درباره حقیقت است. به عبارت دیگر، فراتحلیل مرکب از: (۱) یک جست‌وجوی برای تمامی مدارک موجود؛ (۲) به‌کارگیری معیارهای روشن برای تعیین مقالات قابل قبول؛ (۳) تعیین یک اندازه اثر برای هر پژوهش؛ (۴) یکی کردن اندازه‌های اثر تا رسیدن به یک برآورد کلی تأثیر یک رفتار می‌باشد (استرینر، ۲۰۰۳ به نقل از عابدی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۲۳). بر همین اساس و با فرض اجرای پژوهش‌های نسبتاً کافی در حوزه فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی، تمام پژوهش‌های دارای شرایط فراتحلیل در این حوزه گردآوری و نتایج آنها تحلیل می‌شوند.

پیشینه نظری

کوپر^۳ (۲۰۰۹) در بررسی مراحل انجام فراتحلیل اشاره می‌کند که در قسمت پیشینه تحقیق بیشتر به نظریاتی اشاره شده است که رابطه بین متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته مورد بررسی در فراتحلیل را نشان می‌دهند تا خواننده در ابتدا درک کلی از مهم‌ترین نظریاتی پیدا کند که در این حوزه وجود دارد (میرمحمدتبار و مظلوم خراسانی، ۱۳۹۶: ۱۴۹) به همین منظور، در این قسمت از پژوهش، به چند نظریه مهم در زمینه فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی اشاره می‌شود.

لستر میلبراث^۴ در کتاب مشارکت سیاسی خود سلسله مراتبی از مشارکت را مطرح کرده است، که از عدم درگیری تا گرفتن مقام رسمی دولتی تغییر می‌کند و پایین ترین سطح مشارکت واقعی را رأی دادن در انتخابات دانسته است (نژاد بهرام، ۱۳۸۸: ۱۰۴). میلبراث از نظر مشارکت سیاسی مردم را به سه گروه تقسیم می‌کند: گلدایاتورها، یعنی کسانی که بیشتر از سایر افراد در سیاست فعالند، بی تفاوت‌ها، یعنی کسانی که مشارکتی ندارند، و تماشاگرها، یا کسانی که به ندرت در سیاست دخالت می‌کنند (شجاعی و همکاران، ۲۰۱۰: ۴۴)، بعدها یک گروه دیگر یعنی اعتراض کنندگان، که از شیوه‌های مشارکت غیرعادی استفاده می‌کنند نیز به این دسته‌بندی افزوده شده‌اند (صبوری کاشانی، ۱۳۸۱: ۱۴۰). میلبراث، بر مجموعه از عوامل مرتبط با مشارکت فردی در امور سیاسی تأکید می‌کند: وضعیت اقتصادی - اجتماعی و مرکزیت اجتماعی. در هر دو مجموعه، مشارکت چنان امری عقلانی و درآغاز معطوف به هدف نشان داده شده است. افرادی که سیاست‌ها و برنامه‌های حکومت را هماهنگ با علایق و منافع خود می‌دانند، و همچنین معتقدند که اعمال خودشان، به طور انفرادی یا جمعی، می‌تواند بر تصمیمات حکومت اثر بگذارد، تلاش خواهند کرد چنین اثری بگذارند، مگر اینکه ویژگی‌های ساختاری نظام سیاسی مانع آنها بشود (مجدی نسب، ۱۳۹۴: ۷۸-۷۷)، همچنین به نظر میلبراث شواهد و مدارک نشان می‌دهد که بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی، تحصیلات، شغل، میزان درآمد، سن، جنسیت، مذهب و مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد (ایمبرساید، ۲۰۱۰: ۴۵).

اندیشمندان بر تأثیر ارزش‌ها و عقاید افراد بر گرایش‌های سیاسی آنها نسبت به نظام سیاسی و زیر مجموعه‌های آن تأکید می‌ورزند. از دیدگاه آنها، نظام ارزشی و اعتقادی مردم مهره واسطی است که جامعه را به نظام سیاسی پیوند می‌زند. به عبارت دیگر، با مطالعه‌ی نظام ارزشی یک جامعه و نظریاتی که افراد درباره‌ی عوامل سیاسی ابراز می‌دارند می‌توان رفتار سیاسی را در سطح کلان توجیه کرد. بر این اساس رابرت دال^۵ بر این باور است که فرهنگ عامل توجیه کننده الگوی مخالفت‌های سیاسی در یک جامعه است. از نظر او عوامل برجسته فرهنگ سیاسی عبارتند از:

۱. گرایش‌های موجود در جامعه نسبت به چگونگی حل و فصل مسائل: آیا این مسائل عقلانی‌اند یا غیر عقلانی
 ۲. گرایش‌های موجود نسبت به نظام سیاسی: آیا متأثر از حس تعاون و همکاری است یا بر عدم همکاری استوار است.
 ۳. گرایش‌های موجود نسبت به نظام سیاسی: آیا متأثر از حس وفاداری و تعهد یا متأثر از بیگانگی سیاسی است.
 ۴. گرایش‌های موجود در رابطه با دیگران: آیا متأثر از اعتماد متقابل است یا بر بی‌اعتمادی استوار است (علوی، ۱۳۹۳: ۱۹).
- با توجه به تعاریف فرهنگ سیاسی می‌توان دریافت که فرهنگ سیاسی در حیطه ذهنیت جای دارد، و مردم با فرهنگ سیاسی خود، به جهان سیاست می‌نگرند و از آن جهت می‌گیرند. در واقع مشارکت سیاسی که به نوعی نتیجه جهت‌گیری سیاسی فرد است، تحت تأثیر همین فرهنگ سیاسی است (ادیبی سده و کیهانی، ۱۳۸۵: ۱۵۶-۱۵۵).

ماروین زونیس چهار خصوصیت را برای فرهنگ سیاسی ایرانیان به خصوص نخبگان سیاسی بر می‌شمارد؛ بدبینی سیاسی، بی‌اعتمادی شخصی، احساس عدم امنیت آشکار و بهره‌کشی میان فردی (خسروی و شهسواری فرد، ۱۳۹۵: ۲۰۵). به نظر او این نگرش‌ها اساس رفتارهای سیاسی الیت در ایران بوده‌اند. ماروین زونیس در الیت سیاسی ایران، تأثیرات ساختار قدرت بر گسترش برخی از شاخص‌های فرهنگ سیاسی تابعیت را مورد بررسی قرار داده است. او نشان می‌دهد که بدبینی به عنوان یکی از این شاخص‌ها با احساس بی‌کفایتی و ناتوانی سیاسی و یا ناتوانی در تأثیرگذاری بر تصمیمات سیاسی رابطه دارد. بر اساس بررسی‌های آماری زونیس روی هم رفته درجه پائینی از احساس توانایی سیاسی با درجه بالایی از بدبینی همراه بوده است. نتیجه‌ای که گرفته می‌شود این است که احساس بی‌قدرتی به احساس بی‌گانگی و بدبینی سیاسی می‌انجامد. زونیس در یکی دیگر از تحلیل‌های آماری خود رابطه بدبینی سیاسی را با امکان تحرک اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهد. نتیجه این است که احساس عدم امکان تحرک اجتماعی با احساس بدبینی و بدگمانی ملازم است. زونیس براساس تحلیل‌هایی از این قبیل نتیجه می‌گیرد که (بشیریه، ۱۳۹۴: ۱۶۲)، اعتماد سیاسی حالتی ذهنی است که بر مبنای آن فرد در حیات مدنی خویش، تعاون، مدارا و همکاری با دیگران را احساس می‌کند. احساس عدم امنیت و بی‌اعتمادی دو عاملی هستند که می‌توانند موجب بدبینی سیاسی گردند. بدبینی سیاسی ممکن است در جهت گیری نخبگان سیاسی نسبت به رقبای سیاسی خود و یا نسبت به نظام سیاسی و ارکان آن ایجاد شود، و با این احساس می‌تواند در راستای نگرش به مردم ایجاد شده، و رشد نماید. بی‌اعتمادی و بدبینی از ویژگی‌های عمده فرهنگ سیاسی تبعی است که در نتیجه ساخت سیاسی تشدید می‌شود. ماروین زونیس تأثیر ساخت قدرت بر گسترش برخی شاخص‌های فرهنگ سیاسی تبعی را مورد بررسی قرار داده است. و به این نتیجه رسیده است که (ازغندی و دلاور، ۱۳۸۹: ۵۹-۶۰)، به طور کلی بدبینی و بی‌اعتمادی با احساس بی‌قدرتی و ناتوانی سیاسی همراهند و بویژه قدرت و نحوه عملکرد نظام سیاسی، تعیین کننده نگرش بدبینانه نسبت به زندگی سیاسی به طور کلی است. فرهنگ تابعیت، به معنی مدرن کلمه در متن رابطه قدرت و پیدایش ساخت دولت مدرن معنی بارزتری یافته است زیرا در چنین ساختی است که اصولاً مفهوم مشارکت سیاسی معنی پیدا می‌کند. در پاتریمونیالیسم قدیم وفاداری فرد معطوف به چارچوب‌های کوچکتری مانند خانواده، صنف و فرقه مذهبی بود. همین وفاداری‌ها نیز مانع تکوین وفاداری در سطح دولت ملی بوده است. از سوی دیگر ساخت دولت مطلقه نمی‌تواند رقابت و مشارکت سیاسی را تحمل کند، و از همین رو به سازمان‌ها و تشکلات مستقل اجازه تکوین نمی‌دهد. در نتیجه قشرهای واجد آگاهی سیاسی به تدریج به عدم فعالیت، انزوا و سیاست‌گریزی کشانده می‌شوند. به نظر زونیس: ایرانیان ادعا می‌کنند که اساساً بی‌اعتماد نیستند بلکه چون هیچ مبنایی برای اعتماد در جامعه ایرانی وجود ندارد، آنها نیز برای حفظ و حراست خود به همانگونه (با بی‌اعتمادی) واکنش نشان می‌دهند. تنها کسانی که از سیاست کناره‌گیری می‌کنند بدبین نیستند، بلکه مشارکت‌کنندگان نیز نگرش بدبینانه‌ای دارند. در واقع هرچه افراد در زندگی سیاسی بیشتر مشارکت می‌نمایند بیشتر نگرش‌های بدبینانه پیدا می‌کنند (بشیریه، ۱۳۹۴: ۱۶۴ - ۱۵۹). همچنین به نظر زونیس، افزایش اقتدار شاه و تداوم ساخت قدرت توسط نخبگان سیاسی حاکم، تأثیر خود را بر بی‌اعتمادی و بدبینی سیاسی در مردم و احساس ناتوانی در نخبگان سیاسی گذاشت و در نهایت به مانعی در برابر توسعه سیاسی و مشارکت ارادی مردم تبدیل شد. از سوی دیگر چون بدبینی سیاسی با احساس بی‌کفایتی و ناتوانی در تأثیرگذاری بر تصمیمات سیاسی ارتباط داشت، درجه پائینی از احساس توانایی سیاسی با درجه بالایی از بدبینی همراه بود. هرچه سال‌های خدمت نخبگان سیاسی بالاتر می‌رفت، به جای آنکه سطح اقتدار و اعتماد آنها بالا رود، بی‌اعتمادی و بدبینی آنها بالاتر می‌رفت (ازغندی و دلاور، ۱۳۸۹: ۶۱-۶۰).

همچنین بر طبق تحلیل زونیس هرچه فرد بیشتر در درون نظام سیاسی مشارکت می‌کند و قدرت بیشتری بدست می‌آورد، سطح احساس عدم امنیت و در نتیجه بدبینی و بی‌اعتمادی او افزایش می‌یابد. بدین سان قدرت، احساس عدم امنیت و بی‌اعتمادی به وجود می‌آورد؛ زیرا روند قدرت مقید به نهادها و قواعد مشخص نبوده بلکه تابع امیال قدرتمندان است. در پایان باید اجمالا اشاره کنیم که صرف نظر از ساخت قدرت، چند پارگی‌های اجتماعی نیز موجد فرهنگ سیاسی بدبینی و بی‌اعتمادی بوده‌اند. طبعاً چند پارگی فرهنگی به عدم تفاهم و یا سوء تفاهم میان گروه‌های اجتماعی مختلف می‌انجامد و بدبینی و بی‌اعتمادی را تقویت می‌کند و از این رو مانع عمده‌ای بر سر راه مشارکت و رقابت سیاسی به وجود می‌آورد (بشیریه، ۱۳۹۴: ۱۶۶-۱۶۵).

از مهم‌ترین صاحب‌نظران توسعه سیاسی، لوسین پای^۷ است، که مطالعات گسترده‌ای پیرامون نوسازی و توسعه سیاسی انجام داد (سبزی پور، ۱۳۸۷: ۴۴). لوسین پای بر یک معیار و متغیر خاص در مورد توسعه سیاسی تأکید نکرده و مفاهیم گوناگونی برای توسعه سیاسی در نظر می‌گیرد. وی در مجموع افزایش ظرفیت نظام را در پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های مردم، تنوع ساختاری، تخصصی شدن ساختارها و همچنین افزایش مشارکت سیاسی را لازمه توسعه سیاسی می‌پندارد. پای بر این نظر است که برای تحقق توسعه مطلوب یک نظام سیاسی می‌بایستی از یک سلسله بحران‌ها به صورت موفقیت آمیزی عبور کند (فلاح، ۱۳۷۶: ۶۷). این بحران‌ها

عبارتند از: بحران هویت، بحران مشروعیت، بحران توزیع، بحرن نفوذ، بحران یکپارچگی و بحران مشارکت. پای معتقد است بحران هویت به فرهنگ نخبگان و توده ی مردم به صورت احساسات ملی در مورد سرزمین خویش ارتباط می یابد. بحران مشروعیت بر اثر اختلاف موجود بر سر رهبری و منافع اقتدار بروز می کند. بحران توزیع به حدی اهمیت و نقش دارد که برخی از متفکران علوم سیاسی، سیاست را توزیع اقتدار آمیز ارزش ها توصیف می کنند. یعنی نظام باید بتواند در تمام جوانب، نظیر بعد سیاسی یا اقتصادی، تأثیرگذار باشد. در بعد سیاسی، بحران توزیع، بحث تمرکز قدرت یا تکثیر مطرح است. و بعد اقتصادی نیز به اثر توزیع غیر عادلانه ثروت در جامعه مربوط می شود. یعنی شرایطی که بخش عظیمی از ثروت در دست یا اختیار اقلیتی از جامعه است. در بحران نفوذ، پای نیز به زمینه های افزایش قدرت تصمیم گیری دولت و نفوذ آن بر سراسر قلمرو کشور و ایجاد اعتماد میان مردم و مسئولان اشاره می کند. و در مورد بحران مشارکت، پای اعتقاد دارد که اگر الگوی یک نظام سیاسی این بحران را به خوبی پشت سر بگذارد، بسیاری از بحران های دیگر که عملاً وجود دارند، خود به خود از بین خواهند رفت (سبزی پور، ۱۳۸۷: ۴۴).

لوسین پای، فرهنگ سیاسی را در رابطه با توسعه سیاسی جوامع بررسی کرده است. فرهنگ سیاسی شامل نظامی از باور های تجربی، نشانه های بیانی، عاطفی، و ارزش هاست و موقعیت و وضعیتی است که کنش سیاسی در آن رخ می دهد (پناهی و کردی، ۱۳۸۹: ۵). فرهنگ سیاسی محصول مشترک نظام سیاسی و تاریخ زندگی افرادی که آن نظام را به وجود آورده اند توصیف می شود (نقیب زاده، ۱۳۹۳: ۶۵). مطالب مربوط به پای به خوبی ارتباط مفهوم فرهنگ سیاسی را با مفهوم توسعه سیاسی نشان می دهد. اشاره شد که توسعه سیاسی نوعی گام برداشتن به سمت دموکراتیزه شدن و شهروندان آزاد و مستقل است. بنابراین با شناخت فرهنگ سیاسی می توان توسعه سیاسی را فهمید و در جهت رسیدن به آن گام برداشت. علاوه بر ارتباط فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی، فرهنگ و فرهنگ سیاسی از عوامل تأثیر گذار بر زندگی سیاسی به شمار می آیند. در واقع فرهنگ سیاسی، بر اساس همین ارتباط، تعامل و اثرگذاری های متقابل فرهنگ و سیاست است که در علوم سیاسی و جامعه شناسی سیاسی اهمیت پیدا می کند (لعل علیزاده، ۱۳۹۳: ۷۹-۷۸).

لوسین پای برای تبیین فرهنگ سیاسی و چگونگی شکل گیری آن معتقد است: با رهیافت های تاریخی می توان تکامل نهاد ها و الگو های ارزشی را که بنیاد فرهنگ سیاسی معاصر را شکل می دهند دنبال کرد. با نگاه به الگو های اجتماعی شدن سیاسی می توان به چگونگی دخالت این نهاد ها بر زندگی افراد پی برد، و از طریق فرآیند اجتماعی شدن می توان تأثیر ابعاد آشکار سیاسی و همه ابعاد غیر سیاسی زندگی را در ایجاد و تعیین رفتار سیاسی مشاهده کرد. فرآیند جامعه پذیری سیاسی با نگرش های القاء شده، احساسات دوره های اولیه کودکی و زندگی خانوادگی و تجربه های بعدی از دستور العمل های آشکار سیاسی در مدرسه آمیخته است. این تجربه از طریق رسانه های همگانی و تماس با عوامل دیگر جامعه پذیری سیاسی بدست می آید. پای معتقد است در تمام نظام های سیاسی دست کم دو فرهنگ سیاسی وجود دارد. یک فرهنگ سیاسی نخبگان و دیگری فرهنگ سیاسی توده ها. وی اضافه می کند که در شماری از کشور ها ممکن است فرهنگ سیاسی توده ای شفاف و عمدتاً مشترک وجود نداشته باشد، ولی در عوض چندین فرهنگ سیاسی مردمی وجود داشته باشد که بر اساس طبقه اجتماعی، منطقه، جامعه قومی و یا گروه بندی اجتماعی از یکدیگر انفکاک یافته است. وی در تبیین جایگاه سنت ها در شکل دهی فرهنگ سیاسی تمایز آشکاری بین کشور های توسعه یافته و در حال توسعه معتقد نیست، بطوریکه بیان می کند فرهنگ سیاسی سنتی در برخی جوامع شرایط مساعدی را برای تکامل دموکراسی فراهم آورده است. در صورتی که در دیگر جوامع تمایلات موجود بیشتر با روش های اقتدار طلب سازگار بوده است. بدین سان لوسین پای در سطح کلان برای شکل گیری و تغییرات فرهنگ سیاسی، تاریخ جمعی و نظام سیاسی را بسیار موثر می داند. در دیدگاه وی ساختار های سیاسی نقش اساسی را در شکل گیری احساسات و ارزش های سیاسی دارند، رویداد های جمعی و وقایع تاریخی بر نوع فرهنگ سیاسی موثر هستند (پناهی و کردی، ۱۳۸۹: ۷-۵).

به اعتقاد فاینر^۸ هرچه فرهنگ سیاسی پیشرفته تر باشد احتمال وقوع شورش های نظامی کمتر می شود. به نظر فاینر فرهنگ سیاسی وقتی بالاست که اولاً اعتقاد به مشروعیت سیاسی حکام گسترده باشد. دوم اینکه نهاد های سیاسی کارا باشند و سوم اینکه مشارکت سیاسی در بین عامه گسترده باشد. به عبارت دیگر بر روی هم روش های انتقال قدرت سیاسی مقبول و جا افتاده باشند و جامعه مدنی از طریق بسیج عامه مردم در نهاد های صنفی، طبقاتی، سیاسی، مذهبی و شغلی توسعه یافته باشد (بشیریه، ۱۳۹۱: ۱۲). با توجه به چنین شاخص هایی در زمینه توسعه سیاسی، فاینر، کشور های جهان را به چهار دسته تقسیم کرده است: ۱- کشور هایی که بر حسب شاخص های یاد شده توسعه یافته اند (مانند انگلستان، آمریکا، کشور های اسکاندیناوی و غیره). ۲- کشور هایی که در آنها برخی شاخص های توسعه سیاسی مثل گسترش سازمان ها و نهاد های جامعه مدنی، پیش رفته اند اما برخی شاخص های دیگر به ویژه مشروعیت راه های انتقال قدرت سیاسی هنوز به وضع مطلوب نرسیده اند. آلمان در فاصله سالهای ۱۹۱۸ تا ۱۹۳۳، ژاپن در فاصله دو جنگ جهانی و فرانسه از جمهوری سوم به بعد از نوع چنین کشور هایی بودند. ۳- کشور هایی که شاخص های توسعه سیاسی در آنها چندان پیش نرفته است،

افکار عمومی و جامعه مدنی رشد و سازمان پیدا نکرده است و شیوه های قانونی انتقال قدرت سیاسی نیز از مشروعیت چندانی برخوردار نیست. کشور هایی مانند ترکیه، آرژانتین، مصر، سوریه، پاکستان و عراق در دهه ۱۹۶۰ در چنان شرایطی به سر می بردند. ۴- کشور هایی که از نظر شاخص های توسعه سیاسی هیچ گونه پیشرفتی نکرده اند (بشیریه، ۱۳۹۳: ۲۷۳)، در این گونه جوامع افکار عمومی، جامعه مدنی و سازمان های سیاسی و اجتماعی اصلاً پدید نیامده اند (بشیریه، ۱۳۹۱: ۱۲).

اینکلهارت^۹ با تأکید بر میزان تأثیر دخالت مردم بر تصمیم گیری سیاسی و از آن طریق به رهبران سیاسی به دونه از مشارکت اشاره می کند: اول: مشارکت سرآمد - وابسته، که بیش از آنکه بازتاب تأثیر الویت های مردم بر تصمیمات سرآمدان باشد، رهبری مردم توسط سرآمدان می باشد و دوم: مشارکت سرآمد - گردان، که این شکل از مشارکت، شیوه جدیدتر مشارکت می باشد، که الویت های فرد را با دقتی به مراتب بیشتر و بسیار مفصل تر از روش کهنه بیان می کند. این شیوه - مسأله گرا و به جای انکاء بر سازمان های بروکراتیک موجود مبتنی بر گروه های ویژه است (اینکلهارت، ۱۳۷۳: ۳۸۱). به نظر اینکلهارت، سه عامل توان مشارکت سیاسی مردم غرب را در دهه های اخیر افزایش داده است: افزایش سطح تحصیلات و اطلاعات سیاسی، تغییر هنجار های حاکم بر مشارکت سیاسی زنان و تغییر اولویت های ارزشی که تأکید کمتری بر نیاز های آنی طبیعی داشته و بر حق ابراز نظر تأکید بیشتری می ورزند (غفاری و ابراهیمی لویه، ۱۳۸۹: ۱۹۰).

به نظر اینکلهارت، متغیرهای تحصیلات رسمی، موقعیت اجتماعی اقتصادی، سطوح مهارت و اطلاعات، مهارت های ارتباطی، تجربه های شغلی، شبکه های سازمانی، تقبل تفاوت های جنسی در وظایف اجتماعی و سیاسی بر افزایش مشارکت تأثیر گذاشته اند (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۴۶ - ۴۵). همچنین اینکلهارت از جمله نظریه پردازان متأخری است که به رابطه قوی بین فرهنگ سیاسی و دموکراسی و مشارکت سیاسی اعتقاد دارد (پناهی و بنی فاطمه، ۱۳۹۴: ۴۵). ملاحظه می شود که تغییر هنجار های حاکم بر مشارکت سیاسی که به نوعی با در نظر گرفتن عاملیت بیشتر برای زنان بوده است توانسته در مقیاس کلان بروی فرآیند های اجتماعی چون مشارکت سیاسی تأثیر بگذارد. حتی عنوان شده نسل هایی که در زمانی اجتماعی شده اند که زنان نقشی در سیاست نداشته اند انتظاراتی متفاوت از آنهایی دارند که مشارکت سیاسی زنان را امری بدیهی می پندارند. به علاوه گروه های سنی جوان تر به طور فزاینده ای در معرض الگو هایی از نقش سیاسی زنان بوده اند (غفاری و ابراهیمی لویه، ۱۳۸۹: ۱۹۰).

پیشینه تجربی :

پناهی و عالی زاد (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان، تأثیر وسایل ارتباط جمعی بر مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی، که به روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه انجام شده است به این نتیجه رسیده اند که، وسایل ارتباط جمعی در بلند مدت و به طور غیر مستقیم از طریق عواملی همچون فرهنگ سیاسی، اثربخشی سیاسی و انگیزه های سیاسی بر مشارکت سیاسی تأثیر می گذارند. علاوه بر این، شدت تأثیر هر یک از رسانه ها (تلویزیون، رادیو، روزنامه، و...) متفاوت است و حتی در مواردی، جهت تأثیر آنها نیز متفاوت است، به نحوی که برخی از آنها شرکت در فعالیتهای سیاسی را ترغیب و برخی دیگر بی تفاوتی سیاسی را تشویق می کنند (پناهی و عالی زاد، ۱۳۸۴: ۸۹). صحرایی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان، مشارکت سیاسی جوانان (نقش فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی جوانان شهر تهران)، که با روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه صورت پذیرفته است به این نتیجه رسیده است که، مشارکت در بین ۲۰ درصد از پاسخگویان در حد کم و خیلی کم می باشد. در مقابل ۳۵ درصد پاسخگویان دارای مشارکت سیاسی بالایی هستند. یافته ها بیانگر متوسط بودن این مشارکت در بین اکثریت پاسخگویان است به این معنی که حدود ۴۵ درصد مشارکت خود را در سطح متوسط ارزیابی کرده اند. اما عوامل تبیین کننده مشارکت سیاسی بر طبق تحلیل رگرسیونی نشان می دهد که متغیر مشروعیت سیاسی نظام (در دو بعد اعتماد و کارایی) بالاترین تأثیر رگرسیونی بر میزان مشارکت سیاسی جوانان داشته است. ضریب تأثیر رگرسیونی آن به میزان ۵۸٪ می باشد یعنی این متغیر به تنهایی توانسته ۵۸ درصد از تغییرات متغیر مشارکت سیاسی را تبیین کند بعد از آن متغیر نگرش سیاسی با ضریب ۰/۰۸. بر میزان مشارکت سیاسی جوانان تأثیر گذاشته است (صحرایی، ۱۳۸۷). بنی فاطمه (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان، فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی زنان، که با روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه صورت پذیرفته است به این نتیجه رسیده است که، فرهنگ سیاسی زنان بر روی مشارکت سیاسی آنان تأثیر مهمی دارد. اما مهمترین عامل در بین عوامل مورد بررسی موقعیت اجتماعی - اقتصادی می باشد. ضمن اینکه بقیه فرضیه ها نیز مورد تأیید قرار گرفت و مشخص شد که تمامی عوامل مورد بررسی (البته با شدت کمتر و بیشتر) بر روی مشارکت سیاسی زنان تأثیر گذارند. در مجموع می توان گفت که فرهنگ سیاسی (همچون متغیر مهم موقعیت اقتصادی - اجتماعی)، یکی از عوامل مهم در کمتر و بیشتر شدن میزان مشارکت سیاسی زنان می باشد. بدین منظور در جامعه مورد بررسی و نیز در

جامعه ایرانی برای بهبود مشارکت سیاسی زنان فرهنگ سیاسی آنان باید بیش از پیش مورد توجه و عنایت مسئولین مربوطه قرار گیرد (بنی فاطمه، ۱۳۸۸). مسعود نیا و مهدی پور (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان، « فرهنگ سیاسی قبیله‌ای و مشارکت سیاسی در استان ایلام» که با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است به این نتیجه رسیده‌اند که، روابط ایلی و قبیله‌ای تا پیش از انتخابات مجلس ششم در استان ایلام نقش مهم و گسترده‌ای داشته است، اما با وقوع تحولات سیاسی بعد از خرداد ۱۳۷۶ یعنی نقش آفرینی احزاب در تحولات سیاسی، انتخابات ششم، هفتم و هشتم مجلس شورای اسلامی در ایلام، به عرصه مبارزه میان ایل و حزب تبدیل شد و در واقع از این دوره به بعد شاهد روند کاهش (هرچند آرام) نفوذ ایل در مسائل سیاسی استان ایلام هستیم. (مسعودنیا و مهدی پور، ۱۳۸۹: ۶۱). امینی و خسروی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان « تأثیر فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی زنان و دانشجویان»، که با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است، به این نتیجه رسیدند که هر چند مولفه‌های فرهنگ سیاسی در ایران همچون؛ فرهنگ آمریت - تابعیت، عدم تساهل و سعه صدر، خشونت و سیاست گریزی، سبب کاهش مشارکت سیاسی زنان و دانشجویان در طول تاریخ گردیده است، لیکن در مقاطع خاص تاریخی مشارکت سیاسی افزایش یافته است. چنانکه در انقلاب مشروطه، مشارکت سیاسی عملی به طور چشمگیری افزایش یافت و حتی زنان نیز برای اولین بار دست به فعالیت سیاسی زدند. به طور مشخص در انقلاب اسلامی ایران، مشارکت سیاسی زنان به کمال رسید. در این انقلاب برای نخستین بار نقش و سهمی برابر با مردان یافتند. این انقلاب تجلی مشارکت سیاسی در ایران بود، هرچند اندک اندک از گرمی آن کاسته شد. (امینی و خسروی، ۱۳۸۹: ۱۲۷). فاضلی و خوش‌فر (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان مشارکت سیاسی در استان گلستان، که با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است، به این نتیجه رسیدند که تنها دو متغیر احساس بی‌قدرتی و همچنین میزان مشروعیتی که افراد برای نظام سیاسی قایل هستند، در میان پاسخگویان تفاوت معنادار دارد. این مقاله همچنین دربردارنده داده‌های توصیفی قابل توجهی درخصوص ویژگی‌های فرهنگ سیاسی مردم استان گلستان است. داده‌های این تحقیق از «پیمایش ملی فرهنگ سیاسی مردم ایران» گرفته شده که در سال ۱۳۸۴ انجام شده است (فاضلی و خوش‌فر، ۱۳۸۹: ۸۸). عزیزی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان، بررسی «تأثیر فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی؛ مطالعه موردی افراد بالای ۲۰ سال شهرستان بهبهان»، که با روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه صورت پذیرفته است به این نتیجه رسیده است که، از لحاظ میانگین مشارکت سیاسی انتخاباتی بین زنان و مردان تفاوت معناداری وجود ندارد. اما از لحاظ مشارکت سیاسی غیر انتخاباتی و همچنین مشارکت سیاسی کل بین زنان و مردان تفاوت معناداری به سود مردان وجود دارد. افراد دارای پایگاه اجتماعی - اقتصادی متوسط، مشارکت سیاسی بالاتری نسبت به سایر طبقات داشته‌اند. همچنین یافته‌ها بیانگر این است که فرهنگ سیاسی، فرهنگ سیاسی دینی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، و هویت محلی رابطه معناداری با مشارکت سیاسی کل دارند (عزیزی، ۱۳۹۰). جوج و گله دار (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان، عوامل موثر بر مشارکت سیاسی؛ مطالعه موردی شهروندان شهر تهران، که به روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه صورت گرفته است به این نتیجه رسیده‌اند که میان متغیر فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی رابطه معنادار و مطلوبی وجود دارد (جوج و گله دار، ۱۳۹۱: ۷). رهبر (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان، نقش ارتباطات میان‌فردی در مشارکت سیاسی؛ مطالعه موردی انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی در تهران، که به روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه صورت پذیرفته است به این نتیجه رسیده است که، ارتباطات میان‌فردی در انتخابات ۹۰ قوی‌تر و موثرتر از رسانه‌های جمعی بوده است اما در انتخابات سال ۸۸ رسانه‌های قوی‌تر و موثرتر از ارتباطات میان‌فردی بوده‌اند، علاوه بر این، در این تحقیق بر اساس رفتار سیاسی در ارتباطات میان‌فردی شهروندان به پنج دسته ۱- منفرد، کسانی که هیچ ارتباطی با پیرامون خود ندارند، ۲- منفعل، کسانی که ارتباط میان‌فردی برای آنها چندان مهم تلقی نمی‌شود و ارتباطی ضعیفی با دیگران برقرار می‌کنند، ۳- پیرو، کسانی که با گروه‌های خود مشورت می‌کنند اما کمتر طرف مشورت گروه‌ها قرار می‌گیرند ۴- رهبر، افرادی که طرف مشورت گروه‌های خود قرار می‌گیرند و دیگران به آنان رجوع می‌کنند ولی خود کمتر با گروه‌ها مشورت می‌کنند و ۶- گفتگوی، کسانی که ارتباط قوی و هم‌سطحی با افراد پیرامون خود برقرار می‌سازند و هم مشورت گیرنده هستند و هم مشورت دهنده، تقسیم گردیدند، با توجه به این پنج دسته، فرضیه جریان دو مرحله‌ای لازارسفلد و نظرات تکمیلی رابینسون نقض شدند، همچنین در این تحقیق مشارکت سیاسی، مصرف رسانه‌ای، منابع کسب خبر، تعاملات گروهی و فرهنگ سیاسی شامل دانش، نگرش و ارزش سیاسی شهروندان بررسی شد (رهبر، ۱۳۹۱). امام جمعه زاده و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان، سنجش رابطه فرهنگ سیاسی و رفتار سیاسی دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان، که به روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه صورت پذیرفته است به این نتیجه رسیده‌اند که، بین ابعاد فرهنگ سیاسی (شامل سمت گیری های شناختی، سمت گیری های احساسی و سمت گیری های ارزیابانه) و ابعاد رفتار سیاسی (شامل رفتار رأی دادن و فعالیت های سیاسی انتخاباتی)، و رفتار های سیاسی غیر انتخاباتی (شامل تماس با مسئولان، اعتراض، و عضویت در گروه های سیاسی) رابطه معناداری وجود دارد (امام‌جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱۹). قالیباف و پورموسوی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان، تأثیر فرهنگ سیاسی بر مشارکت شهروندان در حکومت محلی، که با شیوه ی توصیفی، زمینه یاب و با استفاده از منابع کتابخانه ای و اسنادی، به بررسی رابطه فرهنگ سیاسی و مشارکت

شهروندان در حکومت محلی به عنوان ساز کار مشارکت شهروندان در سرنوشت سیاسی - اجتماعی مورد مطالعه قرار داده است، نتایج پژوهش ادعای مطرح شده را در ارتباط با مطالعه ی متغیر های فرهنگ سیاسی در مشارکت سیاسی در شهر تهران را مورد تأیید قرار می دهند (قالیباف و پورموسوی، ۱۳۹۲: ۶۹). پناهی و بنی فاطمه (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان، « فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی زنان »، که با روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه صورت پذیرفته است به این نتیجه رسیده اند که بین متغیر فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین همه مولفه های فرهنگ سیاسی، دانش (تجهیز) سیاسی، نگرش زنان نسبت به توانمندی سیاسی خود و هنجارمند دانستن مشارکت سیاسی زنان رابطه معنادار مثبت نشان داده است (پناهی و بنی فاطمه، ۱۳۹۴: ۳۵). شاعری (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان، بررسی نقش عوامل فرهنگی و اقتصادی موثر بر مشارکت سیاسی، که با روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه صورت پذیرفته است به این نتیجه رسیده است که بین متغیر فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد (شاعری، ۱۳۹۵). صفاری بادی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان، بررسی تأثیر جامعه پذیری سیاسی بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی افراد بالای ۱۸ سال شهر نطنز)، که با روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه صورت پذیرفته است به این نتیجه رسیده است که از میان متغیرهای جمعیت شناختی (سن، جنس، تحصیلات، محل تولد، محل سکونت، وضعیت تاهل و میزان درآمد خانواده) متغیرهای جنس، محل سکونت و میزان درآمد خانواده با میزان مشارکت سیاسی رابطه معناداری داشته اند. همچنین از میان متغیرهای جامعه پذیری سیاسی در خانواده، گروه دوستان، رسانه های جمعی و انجمن های داوطلبانه، فقط متغیر جامعه پذیری سیاسی از طریق انجمن های داوطلبانه تأثیری بر میزان مشارکت سیاسی افراد نداشته است. از میان این عوامل، جامعه پذیری سیاسی از طریق گروه دوستان بیشترین اثر را بر میزان مشارکت سیاسی داشته است. همچنین متغیر جامعه پذیری سیاسی بصورت کل بیشتر با بعد غیرانتخاباتی مشارکت سیاسی رابطه معنادار داشته است. متغیرهای فرهنگ سیاسی بطور مستقیم و متغیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی بصورت غیرمستقیم از طریق فرهنگ سیاسی بر میزان مشارکت سیاسی افراد تأثیر داشته اند (صفاری بادی، ۱۳۹۵). فرهمند و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان، بررسی مشارکت سیاسی جوانان شهر یزد و عوامل موثر بر آن، که به روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه صورت پذیرفته است به این نتیجه رسیده اند که، میانگین مشارکت سیاسی پاسخگویان یزدی کمتر از حد متوسط بوده و میزان مشارکت عینی بیشتر از مشارکت ذهنی است. نتایج همچنین موبد آن است که متغیر سن با میزان مشارکت سیاسی رابطه معنادار دارد و با افزایش سن، مشارکت سیاسی کاهش می یابد و مشارکت مردان بیشتر از زنان است. بین متغیرهای فرهنگ مشارکتی خانواده، فرهنگ سیاسی و انگیزه سیاسی با میزان مشارکت سیاسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، بین متغیرهای وضعیت تاهل، موقعیت ساختاری فرد، تعلق ملی- مذهبی و مشارکت رابطه معناداری مشاهده نشد. نتایج رگرسیون چندگانه از نقش معنادار سه متغیر انگیزه سیاسی، فرهنگ برون گروهی خانواده و جنسیت حمایت می کند، که در این میان، انگیزه سیاسی بیشترین نقش را در تبیین مشارکت سیاسی جوانان ایفا می نماید (فرهمند و همکاران، ۱۳۹۵: ۱). رهبرقاضی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان، تأثیر شبکه های اجتماعی بر مشارکت سیاسی با توجه به متغیرهای میانجی بحث سیاسی، اثربخشی سیاسی و فرهنگ سیاسی که به روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه صورت پذیرفته است به این نتیجه رسیده اند که، در حالیکه مدت زمان عضویت در شبکه های اجتماعی تأثیر منفی ای بر روی بحث سیاسی و اثربخشی سیاسی می گذارند، اما عمیق شدن فعالیت در شبکه های اجتماعی و واقعی تلقی کردن محتوای شبکه های اجتماعی با ایجاد تأثیرات مثبت بر روی افزایش بحث سیاسی، اثربخشی سیاسی و فرهنگ سیاسی باعث بهبود وضعیت مشارکت سیاسی فعالان در جامعه می شود. اما یافته ها نشان می دهد که مدل نظری پژوهش در مورد مشارکت منفعلانه (رای دادن در انتخابات) تأیید نمی شود (رهبرقاضی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۷). بهروزیان و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان، سنجش پیوستگی فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه لرستان)، که به روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه صورت پذیرفته است به این نتیجه رسیده اند که، بین متغیر فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد (بهروزیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۹). قادری (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان، تأثیر فرهنگ سیاسی بر مشارکت زنان با تأکید بر نقش انقلاب اسلامی ایران، که با روش توصیفی - تحلیلی صورت پذیرفته است، فرض اصلی این است که هرچند مولفه های فرهنگ سیاسی در ایران هم چون فرهنگ آمریت / تابعیت، سبب کاهش مشارکت سیاسی زنان در طول تاریخ شده است، اما به دلیل تأثیرپذیری زنان ایرانی از فرهنگ سیاسی شیعه؛ در مقاطع خاص تاریخی؛ مشارکت سیاسی زنان افزایش یافته است. برای نمونه در انقلاب اسلامی ایران و تحت تأثیر تعلیم امام خمینی رحمه الله علیه، مشارکت سیاسی زنان به اوج رسید. در این انقلاب برای نخستین بار زنان نقشی و سهمی برابر با مردان یافتند و این انقلاب تجلی مشارکت سیاسی زنان در ایران بود (قادری، ۱۳۹۷: ۲۲۱).

۴- روش شناسی :

تحقیق کیفی عبارت است از مجموعه فعالیت‌هایی (چون مشاهده، مصاحبه و شرکت گسترده در فعالیت‌های پژوهشی) که هرکدام به نحوی محقق را در کسب اطلاعات دست‌اول، درباره موضوع مورد تحقیق یاری می‌دهند. بدین‌ترتیب، از اطلاعات جمع‌آوری شده، توصیف‌های تحلیلی، ادراکی و طبقه‌بندی حاصل می‌شود. در این میان، روش‌های مختلفی برای انجام پژوهش‌های کیفی وجود دارد، روش‌هایی مانند نظریه مبنایی، هرمنوتیک، پدیدارشناسی و غیره که در تمامی این روش‌ها، توجه به نگاه تفسیری - تحلیلی و مفاهیم حائز اهمیت است. در حقیقت زمانی که پژوهشگر از سطح توصیف آماری فراتر می‌رود و با محتوا و ماهیت مسئله از بعد تحلیل و تفسیری مواجه می‌گردد رویکرد کیفی دارد. فراتحلیل نیز از جمله روش‌هایی است که عموماً آن را به‌عنوان روش کمی می‌شناسند، اما رویکرد کیفی به فراتحلیل، در نمایان سازی مولفه‌ها و مفاهیم محتوایی مسئله مورد پژوهش، یکی از روش‌هایی است که قابلیت قرار گرفتن در زمره روش‌های کیفی را دارد (صادقی فسائی و خادمی، ۱۳۹۵: ۴۲ - ۴۱). فراتحلیل به فنون آماری اطلاق می‌شود که هدف آن یکپارچه سازی نتایج پژوهش‌های مستقل است. با روش فراتحلیل می‌توان نتایج پژوهش‌ها را با یکدیگر ترکیب کرد و روابط تازه‌ای میان پدیده‌های اجتماعی کشف کرد. این روش تحلیل تحلیل‌هاست، یعنی تحلیل آماری مجموعه‌ای از نتایج مطالعات جداگانه به منظور ادغام یافته‌هاست (عابدی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۲۳). هدف روش فراتحلیل ترکیب نتایج تحقیقات انجام شده در یک موضوع خاص به شیوه نظام‌دار و علمی و پاسخ به سوالات یادشده است. سوالاتی که در عصر حاضر به علت وجود حجم انبوه و فزاینده پژوهش‌های انجام‌شده می‌تواند در هر حوزه علمی، ذهن پژوهشگران را به خود جلب نماید (طباطبایی جبلی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۸).

با توجه به موضوع مطالعه جمعیت مورد مطالعه شامل تمام مطالعاتی بود که به بررسی رابطه فرهنگ سیاسی با مشارکت سیاسی در ایران پرداخته بودند. برای یافتن مطالعات انجام شده در کشور، از پایگاه‌های اطلاعاتی جهاد دانشگاهی (SID)، پایگاه مجلات تخصصی نور (Noormags)، پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)، پایگاه مرکز اسناد و مدارک علمی ایران (Irandoc)، پرتال علوم انسانی (Ensani.ir) و سیویلیکا (Civilica) استفاده شده است. در نهایت حجم نمونه وارد شده به فراتحلیل پس از بررسی پژوهش‌های انجام شده، ۲۳ مورد برای بررسی رابطه فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی مشخص شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار CMA2، نرم افزار جامع فراتحلیل محاسبه اندازه اثر انجام شد.

۵- یافته‌های پژوهش:

در این قسمت به اطلاعات توصیفی و تحلیل پرداخته می‌شود. در جدول شماره یک، پژوهش‌هایی که برای فراتحلیل انتخاب شده‌اند، آورده شده‌اند.

جدول شماره ۱: پژوهش‌های انتخابی برای فراتحلیل

کد	پژوهشگر	موضوع
۱	مهنازفرهمند، سمیه و کیلی قاسم‌آباد، الهه پورجیمیان	بررسی مشارکت سیاسی جوانان شهر یزد و عوامل موثر بر آن
۲	سید جواد امام، جمعه‌زاده، حوا ابراهیمی‌پور، محمود رضا رهبر قاضی، سید مرتضی نوعی باغبان	سنجش رابطه فرهنگ سیاسی و رفتار سیاسی دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان
۳	محمد حسین پناهی، اسماعیل عالی‌زاد	تأثیر وسایل ارتباط جمعی بر مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی
۴	محمود رضاهر قاضی، سمیه معتمدی، اعظم شهریاری	تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی؛ با توجه به متغیرهای میانجی بحث سیاسی، اثربخشی سیاسی و فرهنگ سیاسی
۵	مجتبی صفاری بادی	بررسی تأثیر جامعه‌پذیری سیاسی بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی افراد بالای ۱۸ سال شهر نطنز)
۶	فاطمه شاعری	بررسی نقش عوامل اقتصادی و فرهنگی (فرهنگ سیاسی) موثر در مشارکت سیاسی (نمونه مورد بررسی: شهروندان بالای ۲۵ سال ساکن در شهرستان بجنورد)
۷	مرتضی جوج، مجید گله دار	عوامل موثر بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی شهروندان شهر تهران)
۸	بهروز بهروزیان، سهیلا عزیزی، جواد بهروزیان علی اصغر مقدس	سنجش پیوستگی فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه لرستان)
۹	سمیه‌السادات بنی فاطمه	فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی زنان
۱۰	لیلا صحرایی	مشارکت سیاسی جوانان (نقش فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی جوانان شهر تهران)

در جدول شماره (۲) مهم ترین ویژگی های پژوهش های مورد بررسی بر حسب متغیر وابسته، سال انجام پژوهش، حجم نمونه، آماره، نوع پژوهش، اندازه آماره و سطح معناداری، آورده شده است.

جدول شماره (۲): ویژگی های پژوهش های انتخابی برای فراتحلیل

کد	متغیر وابسته	سال	حجم نمونه	آماره	نوع پژوهش	اندازه آماره	سطح معناداری
۱-۱	مشارکت سیاسی ذهنی	۱۳۹۵	۳۸۴	ضریب همبستگی پیرسون	مقاله	۰/۱۶۷	۰/۰۰۵
۲-۱	مشارکت سیاسی عینی	۱۳۹۵	۳۸۴	ضریب همبستگی پیرسون	مقاله	۰/۱۷۳	۰/۰۰۱
۳-۱	مشارکت سیاسی (کل)	۱۳۹۵	۳۸۴	ضریب همبستگی پیرسون	مقاله	۰/۱۷۹	۰/۰۰۰
۱-۲	رأی دادن	۱۳۹۲	۳۸۴	ضریب همبستگی پیرسون	مقاله	۰/۳۹۰	۰/۰۰۰
۲-۲	فعالیت های انتخاباتی	۱۳۹۲	۳۸۴	ضریب همبستگی پیرسون	مقاله	۰/۳۵۰	۰/۰۰۰
۳-۲	رفتارهای سیاسی انتخاباتی	۱۳۹۲	۳۸۴	ضریب همبستگی پیرسون	مقاله	۰/۳۵۴	۰/۰۰۰
۴-۲	تماس با مسئولان	۱۳۹۲	۳۸۴	ضریب همبستگی پیرسون	مقاله	۰/۴۶۰	۰/۰۰۰
۵-۲	اعتراض	۱۳۹۲	۳۸۴	ضریب همبستگی پیرسون	مقاله	۰/۳۰۰	۰/۰۰۰
۶-۲	عضویت در گروه های سیاسی	۱۳۹۲	۳۸۴	ضریب همبستگی پیرسون	مقاله	۰/۴۷۰	۰/۰۰۰
۷-۲	رفتارهای سیاسی غیر انتخاباتی	۱۳۹۲	۳۸۴	ضریب همبستگی پیرسون	مقاله	۰/۴۹۵	۰/۰۰۰
۳	مشارکت سیاسی (کل)	۱۳۸۴	۴۳۰	ضریب همبستگی پیرسون	مقاله	۰/۵۲۹	۰/۰۰۰
۴	مشارکت سیاسی فعالانه	۱۳۹۶	۳۹۰	ضریب همبستگی پیرسون	مقاله	۰/۲۱۰	۰/۰۰۰
۱-۵	مشارکت سیاسی انتخاباتی	۱۳۹۵	۳۹۰	ضریب همبستگی پیرسون	پایان نامه	۰/۵۳۶	۰/۰۰۰
۲-۵	مشارکت سیاسی غیر انتخاباتی	۱۳۹۵	۳۹۰	ضریب همبستگی پیرسون	پایان نامه	۰/۴۸۰	۰/۰۰۰
۳-۵	مشارکت سیاسی اعتراضی	۱۳۹۵	۳۹۰	ضریب همبستگی پیرسون	پایان نامه	۰/۱۸۲	۰/۰۰۰
۴-۵	مشارکت سیاسی (کل)	۱۳۹۵	۳۹۰	ضریب همبستگی پیرسون	پایان نامه	۰/۵۸۵	۰/۰۰۰
۱-۶	مشارکت سیاسی رسمی	۱۳۹۵	۳۸۳	ضریب همبستگی پیرسون	پایان نامه	۰/۳۳۴	۰/۰۰۰
۲-۶	مشارکت سیاسی غیر رسمی	۱۳۹۵	۳۸۳	ضریب همبستگی پیرسون	پایان نامه	۰/۲۰۵	۰/۰۰۰
۳-۶	مشارکت سیاسی (کل)	۱۳۹۵	۳۸۳	ضریب همبستگی پیرسون	پایان نامه	۰/۳۳۰	۰/۰۰۰
۷	مشارکت سیاسی (کل)	۱۳۹۱	۴۴۱	ضریب همبستگی پیرسون	مقاله	۰/۴۳۲	۰/۰۰۰
۸	مشارکت سیاسی (کل)	۱۳۹۶	۳۸۰	ضریب همبستگی پیرسون	مقاله	۰/۴۴۰	۰/۰۰۰
۹	مشارکت سیاسی (کل)	۱۳۸۸	۳۸۰	ضریب همبستگی اسپیرمن	پایان نامه	۰/۵۹۳	۰/۰۰۰
۱۰	مشارکت سیاسی (کل)	۱۳۸۷	۳۸۰	ضریب همبستگی گاما	پایان نامه	۰/۴۰۰	۰/۰۰۰

در مرحله بعد، برای تحلیل اطلاعات جمع آوری شده از پژوهش های مورد نظر، برای انجام محاسبات آماری از برنامه فراتحلیل جامع (CMA2)، پس از کدگذاری استفاده گردید. بدین ترتیب که آزمون های آماری استفاده شده در تحقیقات مختلف یکسان سازی و به اندازه اثر تبدیل شد. در حال حاضر یکی از اساسی ترین مفاهیم موجود در ادبیات فراتحلیل مفهوم اندازه اثر است. در یک تعریف فراگیر آماری، اندازه اثر عبارت است از نسبت آزمون معنی داری به حجم مطالعه. این مفهوم در سال ۱۹۷۷ میلادی توسط کوهن معرفی و بر اهمیت استفاده از آن تأکید گردید. او در کتاب خود نوشت، فرضیه صفر در واقع تعیین اندازه اثر صفر است و هرگاه فرضیه صفر رد شود یعنی مقدار اندازه اثر در جامعه غیر صفر است. بنابراین، اندازه اثر نشان دهنده میزان یا درجه حضور پدیده در جامعه است و هر چه اندازه اثر بزرگتر باشد، درجه حضور پدیده هم بیشتر است (رضایی منش و عباس پور، ۱۳۹۴: ۷۶-۷۵). در این زمینه روزنتال نیز معتقد است که در علوم رفتاری اگر اندازه اثر محاسبه نشود، احتمال بروز خطای نوع دوم از خطای نوع اول بیشتر می شود. اگر چه سطح معناداری و اندازه اثر در مورد رد یا قبول فرضیه صفر استفاده می شوند، اما هر کدام اطلاعاتی جداگانه را در اختیار می گذارند. از طریق آزمون معناداری مشخص می شود که آیا نتیجه ای خاص به دلیل شانس رخ داده است یا خیر و از طریق محاسبه اندازه اثر می توان دریافت که متغیر مستقل تا چه اندازه بر متغیر وابسته اثر گذاشته است. بنابراین، برای تصمیم گیری در مورد رد یا قبول فرضیه صفر در تحقیقات رفتاری لازم است همراه با نتیجه آزمون معناداری به مقدار اندازه اثر نیز توجه شود؛ زیرا در شرایط یکسان از لحاظ حجم نمونه و سطح معناداری، هر چه اندازه اثر بزرگتر باشد، توان آزمون هم بیشتر می شود و اعتبار تصمیم گیری افزایش می یابد (طوبابی و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۰). برای تفسیر اندازه اثر، از جدول کوهن استفاده شد. کوهن در طبقه بندی تفسیری برای اهمیت نسبی اندازه های اثر، برای اندازه های اثر خانواده های d، مقادیر ۰/۲، ۰/۵، ۰/۸ و برای اندازه های اثر خانواده ۲، مقادیر ۰/۱، ۰/۳ و ۰/۵ را به ترتیب نشانگر کوچک، متوسط و بزرگ دانسته است (شعاع و نیازی، ۱۳۹۵: ۷۲).

۱-۵- فرضیه پژوهش: در تمامی تحقیقات بررسی شده فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی اثر گذار است.

H0: در تمامی تحقیقات بررسی شده فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی اثر گذار نیست.

H1: در تمامی تحقیقات بررسی شده فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی اثر گذار است.

جدول شماره (۳): خلاصه اطلاعات مربوط به فرا تحلیل فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی بر روی پژوهش های نمونه

کد	نوع پژوهش	سال	اندازه اثر	حد پایین	حد بالا	z-value	p-value
۱-۱	مقاله	۱۳۹۵	۰/۱۶۷	۰/۰۶۸	۰/۲۶۳	۳/۲۹۱	۰/۰۰۱
۲-۱	مقاله	۱۳۹۵	۰/۱۷۳	۰/۰۷۴	۰/۲۶۸	۳/۴۱۱	۰/۰۰۱
۳-۱	مقاله	۱۳۹۵	۰/۱۷۹	۰/۰۸۰	۰/۲۷۴	۳/۵۳۲	۰/۰۰۰
۱-۲	مقاله	۱۳۹۲	۰/۳۹۰	۰/۳۰۲	۰/۴۷۲	۸/۰۳۸	۰/۰۰۰
۲-۲	مقاله	۱۳۹۲	۰/۳۵۰	۰/۲۵۹	۰/۴۳۵	۷/۱۳۳	۰/۰۰۰
۳-۲	مقاله	۱۳۹۲	۰/۳۵۴	۰/۲۶۳	۰/۴۳۹	۷/۲۲۲	۰/۰۰۰
۴-۲	مقاله	۱۳۹۲	۰/۴۶۰	۰/۳۷۷	۰/۵۳۵	۹/۷۰۷	۰/۰۰۰
۵-۲	مقاله	۱۳۹۲	۰/۳۰۰	۰/۲۰۶	۰/۳۸۸	۶/۰۴۲	۰/۰۰۰
۶-۲	مقاله	۱۳۹۲	۰/۴۷۰	۰/۳۸۸	۰/۵۴۴	۹/۹۵۶	۰/۰۰۰
۷-۲	مقاله	۱۳۹۲	۰/۴۹۵	۰/۴۱۶	۰/۵۶۷	۱۰/۵۹۲	۰/۰۰۰
۳	مقاله	۱۳۸۴	۰/۵۲۹	۰/۴۵۷	۰/۵۹۴	۱۲/۱۶۶	۰/۰۰۰
۴	مقاله	۱۳۹۶	۰/۲۱۰	۰/۱۱۳	۰/۳۰۳	۴/۱۹۴	۰/۰۰۰
۱-۵	پایان نامه	۱۳۹۵	۰/۵۳۶	۰/۴۶۱	۰/۶۰۳	۱۱/۷۷۴	۰/۰۰۰
۲-۵	پایان نامه	۱۳۹۵	۰/۴۸۰	۰/۴۰۰	۰/۵۵۳	۱۰/۲۸۸	۰/۰۰۰
۳-۵	پایان نامه	۱۳۹۵	۰/۱۸۲	۰/۰۸۴	۰/۲۷۶	۳/۶۲۱	۰/۰۰۰
۴-۵	پایان نامه	۱۳۹۵	۰/۵۸۵	۰/۵۱۶	۰/۶۴۷	۱۳/۱۸۱	۰/۰۰۰
۱-۶	پایان نامه	۱۳۹۵	۰/۳۳۴	۰/۲۴۲	۰/۴۲۰	۶/۷۷۱	۰/۰۰۰
۲-۶	پایان نامه	۱۳۹۵	۰/۲۰۵	۰/۱۰۷	۰/۲۹۹	۴/۰۵۴	۰/۰۰۰
۳-۶	پایان نامه	۱۳۹۵	۰/۳۳۰	۰/۲۳۸	۰/۴۱۶	۶/۶۸۳	۰/۰۰۰
۷	مقاله	۱۳۹۱	۰/۴۳۲	۰/۳۵۵	۰/۵۱۸	۹/۶۷۶	۰/۰۰۰
۸	مقاله	۱۳۹۶	۰/۴۴۰	۰/۳۵۵	۰/۵۱۸	۹/۱۶۷	۰/۰۰۰
۹	پایان نامه	۱۳۸۸	۰/۵۹۳	۰/۵۲۴	۰/۶۵۴	۱۳/۳۳۵	۰/۰۰۰
۱۰	پایان نامه	۱۳۸۷	۰/۴۰۰	۰/۳۱۴	۰/۴۷۹	۸/۴۴۱	۰/۰۰۰
اندازه اثر	ترکیبی ثابت		۰/۳۸۳	۰/۳۶۵	۰/۴۰۱	۳۸/۰۸۸	۰/۰۰۰
	ترکیبی تصادفی		۰/۳۸۲	۰/۳۲۴	۰/۴۳۷	۱۱/۸۷۸	۰/۰۰۰

در جدول شماره (۳) ضمن برآورد اندازه اثر تفکیکی پژوهش های انتخاب شده برای فراتحلیل، اثرات ترکیبی ثابت و تصادفی نیز مشخص گردید. بر اساس جدول (۳) در همه ۲۳ پژوهش مورد بررسی در رابطه میان فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی با اطمینان ۹۹ درصد ارتباط معنادار بوده، و بزرگترین اندازه اثر مربوط به پژوهش شماره (۹)، پژوهش سمیه السادات بنی فاطمه (۱۳۸۸) با عنوان فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی زنان، و کوچکترین اندازه اثر مربوط به پژوهش شماره (۱-۱)، فرهنگ و همکاران (۱۳۹۵) با عنوان بررسی مشارکت سیاسی جوانان شهر یزد و عوامل موثر بر آن می باشد. همچنین هر دو اثر تصادفی و ثابت در سطح ۹۹ درصد معنادار می باشند.

۴-۵- فرض همگنی پژوهش های مورد بررسی در مورد فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی:

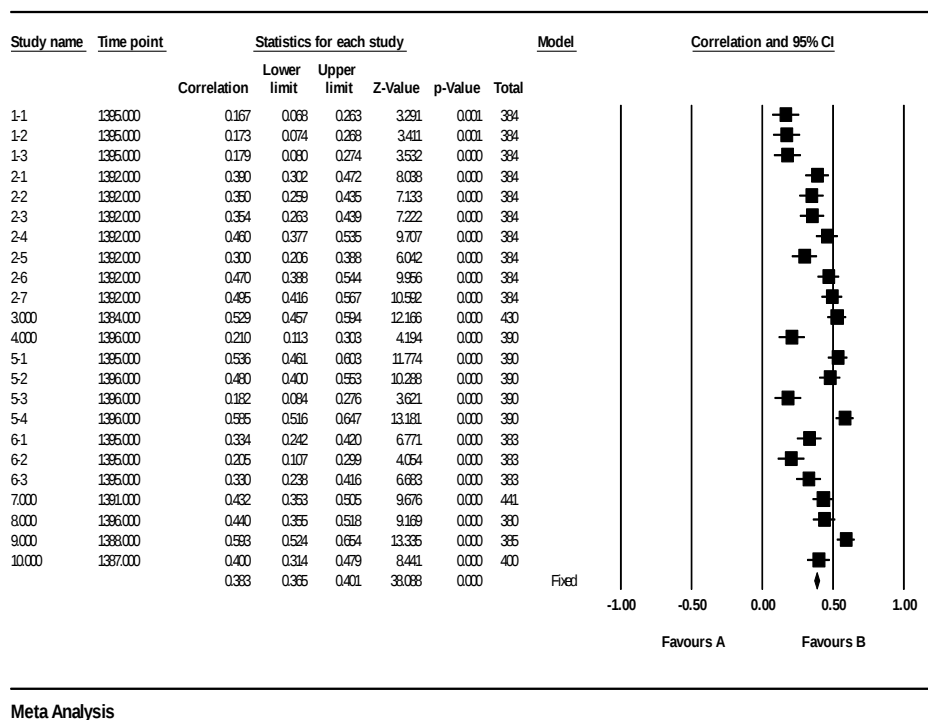
برای تشخیص ناهمگونی از آزمون Q استفاده می شود. مقدار بالای Q و مقدار پایین P-Value حاکی از ناهمگونی پژوهش های وارد شده به فراتحلیل می باشد. با توجه به نتایج حاصل از آزمون باید گفت ($Q = 90/779$, $P < 0.01$), فرض همگونی میان پژوهش ها تأیید نمی شود. به بیان دیگر معنادار بودن شاخص Q نشان دهنده وجود ناهمگونی در اندازه اثر پژوهش های وارد شده به فراتحلیل می باشد. یکی دیگر از شاخص هایی که برای تشخیص ناهمگونی بکار می رود شاخص I^2 می باشد. آزمون I^2 عبارت است از نسبت تغییراتی

که به علت ناهمگونی ایجاد شده است نه به علت شانس و بالا بودن مقدار I^2 دال بر وجود ناهمگونی است. به طور کلی مقادیر I^2 اگر برابر ۲۵، ۵۰ و ۷۵ باشد به ترتیب به عنوان ناهمگونی پایین، متوسط و بالا تفسیر می‌شود. بنابراین اندازه ناهمگونی در پژوهش حاضر بالا تفسیر می‌شود. به همین دلیل نتایج حاصل از ضریب مجذور I^2 مؤید این مطلب است که حدود ۸۹ درصد از تغییرات کل مطالعات به ناهمگونی آن‌ها مربوط است، بنابراین تلفیق آن‌ها با مدل آثار ثابت موجه نیست زیرا بیش از ۸۰ درصد از تغییرات کل مطالعات به ناهمگونی آنها مربوط می‌شود. پس بنابراین باید از مدل اثرات ترکیبی تصادفی استفاده نمود.

جدول (۴): نتایج حاصل از آزمون Q

شاخص آماری	مقدار آزمون Q	درجه آزادی Df	سطح معناداری P-Value	I-Squared (I^2)
نتایج	۲۲۴/۵۸۶	۲۲	۰/۰۰۰	۹۰/۲۰۴

شکل زیر نمودار فرست پلات (جنگل) رانشان می دهد. در نمودار فورست پلاست تحقیق ها توسط نماد هایی نشان داده می‌شوند که موقعیت آنها با وزن تحقیق در تحلیل ها (مدل با اثرات ثابت و تصادفی) متناسب است.



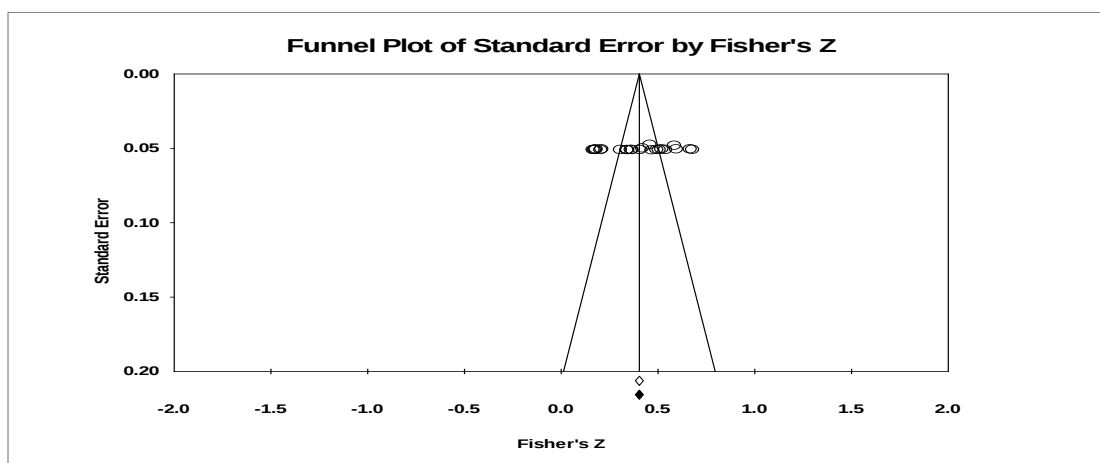
Meta Analysis

شکل (۱) نمودار فورست پلات (جنگل)

یکی از موضوعات مورد توجه در هر فراتحلیل، ارزیابی سوگیری (تورش) انتشار است. منظور از سوگیری انتشار این است که یک فراتحلیل شامل همه مطالعات انجام شده درباره موضوع مورد بررسی نباشد. یعنی ممکن است برخی از مطالعات به دلیل متفاوت منتشر نشده یا حداقل در مجلات نمایه‌سازی نشده منتشر شده باشد. زمانی که سوگیری انتشار وجود دارد، نتایج نهایی فراتحلیل تحت تأثیر قرار می‌گیرد و برآوردهای نهایی حاصل از آن دارای تورش و خطا خواهد بود. پس لازم است سوگیری انتشار در گام‌های نخست یک فراتحلیل شناسایی و تصحیح شود تا اعتبار نتایج افزایش یابد (مکاسکیل و همکاران، ۲۰۰۱ به نقل از طولابی و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۳). به بیانی دیگر یکی از مشکلاتی که موجب مخدوش شدن اعتبار نتایج فراتحلیل می‌شود عدم دسترسی محقق به تمام مطالعاتی است که در فاصله زمانی خاص در موضوع مورد بررسی انجام شده‌اند. (نیازی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۶). به‌منظور بررسی این مفروضه از نمودار کیفی، روش چینش و تکمیل دووال و تئیدی، روش همبستگی رتبه‌ای بگ و مزومدار، روش رگرسیونی اگر، و N ایمن از خطا استفاده شده است که نتایج بررسی این مفروضه به کمک روش‌های مختلف در قسمت زیر ارائه شده‌است.

۵-۶- نمودار کیفی:

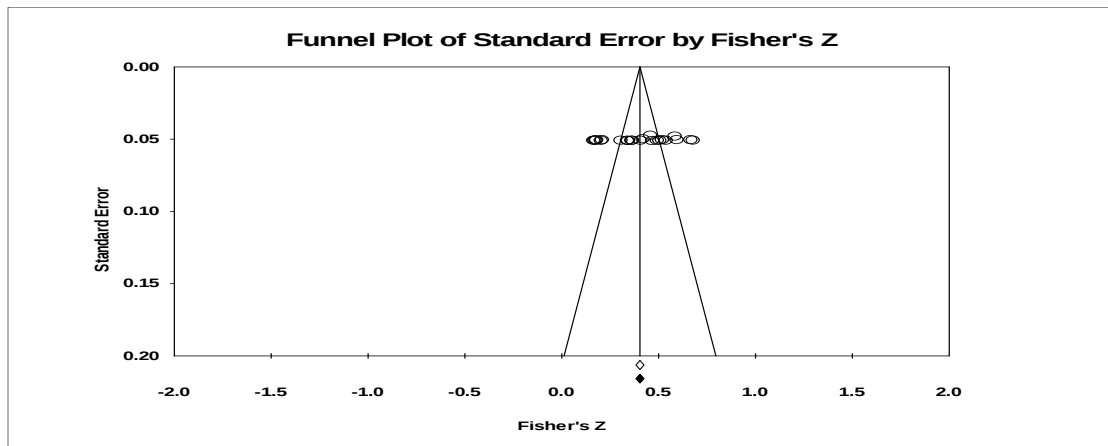
از جمله رایج‌ترین روش‌ها به منظور بررسی خطای انتشار، نمودار کیفی است (نیازی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۶۱). نمودار کیفی بر این حقیقت استوار است که وزن آماری مطالعه با افزایش اندازه نمونه آن افزایش می‌یابد. بنابراین مطالعات با اندازه نمونه کوچک، به صورت گسترده در پایین نمودار پراکنده می‌شوند و مطالعات با اندازه نمونه بزرگتر در قسمت بالای نمودار و نزدیک به میانگین اثر هستند در نبود هیچ گونه خطایی، نمودار شبیه به یک قیف بر عکس می‌شود و در صورت وجود خطا نمودار کیفی به صورت غیر متقارن در می‌آید (سید ابریشمی و کریمی، ۱۳۹۱: ۲۱۶؛ زاهدی اصل و پیله وری، ۱۳۹۵: ۲۲)، از لحاظ تفسیری در نمودارهای کیفی، مطالعاتی که خطای استاندارد پایین دارند و در بالای قیف جمع می‌شوند، دارای سوگیری انتشار نیستند؛ اما هرچه مطالعات به سمت پایین قیف کشیده می‌شوند، خطای استاندارد آنها بالا می‌رود و سوگیری انتشارشان بیشتر می‌شود. این حالت بیانگر این واقعیت است که تحقیق‌های کوچک‌تر (که در پایین نمودار ظاهر می‌شوند) در صورتی از نظر آماری معنی‌دار هستند که اندازه اثر متوسط به بالا داشته باشند (خیراندیش و لطیفی جلیسه، ۱۳۹۶: ۵۵). بنابراین با توجه به شکل ۳ (نمودار فائل یا کیفی پژوهش حاضر) از آنجا که متغیرهای مطالعات در بالای نمودار جمع شده است بر عدم وجود سوگیری انتشار دلالت دارد.



شکل (۲): نمودار کیفی پژوهش‌های فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی

۵-۷- روش چینش و تکمیل دووال و تئیدی:

چینش و تکمیل براساس ایده‌ای کلیدی که در پس زمینه نمودار کیفی قرار دارد، انجام می‌شود؛ یعنی این ایده که در صورت نبود سوگیری، نمودار حول خلاصه اندازه اثر، حالت متقارن پیدا می‌کند. اگر تعداد مطالعات کوچک در سمت راست نمودار بیش از سمت چپ آن باشد، می‌توان این گون برداشت کرد که چنین مطالعاتی از سمت چپ حذف شده‌اند. رویه چینش و تکمیل، این مطالعات گم شده را در نظر می‌گیرد، آنها را به تحلیل‌ها وارد می‌کند و سپس خلاصه اندازه اثر را محاسبه می‌نماید. به طور پیش‌گزیده، این ابزار مطالعات گم شده را جست و جو می‌کند و در سمت چپ خلاصه اندازه اثر قرار می‌دهد (قربانی زاده و حسن نانگیر، ۱۳۹۳: ۱۳۸-۱۳۷).



شکل شماره (۳): مشاهده تحقیقات متناسب توسط چینش و تکمیل در نمودار کیفی

از لحاظ تفسیری در نمودار های کیفی، مطالعاتی که خطای استاندارد پایین دارند و در بالای کیف جمع می شوند، دارای سوگیری انتشار نیستند؛ اما هرچه مطالعات به سمت پایین کیف کشیده می شوند، خطای استاندارد آنها بالا می رود و سوگیری انتشارشان بیشتر می شود. این حالت بیانگر این واقعیت است که تحقیق های کوچکتر (که در پایین نمودار ظاهر می شوند) در صورتی از نظر آماری معنی دار هستند که اندازه اثر متوسط به بالا داشته باشند (خیراندیش و لطیفی جلیسه، ۱۳۹۶: ۵۵). همچنین جدول شماره (۵) نتایج روش اطلاع و برازش دوال و توفیدی را نشان می دهد.

جدول شماره (۵): اصلاح و برازش دوال و توفیدی

مقدار Q	اثرات تصادفی			اثرات ثابت			
	حد بالا	حد پایین	تخمین نقطه ای	حد بالا	حد پایین	تخمین نقطه ای	
تعداد مطالعات مورد نیاز: ۰							
۲۲۴/۵۸۵۷۲	۰/۴۳۷۰۳	۰/۳۲۳۷۵	۰/۳۸۱۸۳	۰/۴۰۰۶۰	۰/۳۶۵۱۶	۰/۳۸۳۰۲	ارزش مشاهدات
۲۲۴/۵۸۵۷۲	۰/۴۳۷۰۳	۰/۳۲۳۷۵	۰/۳۸۱۸۳	۰/۴۰۰۶۰	۰/۳۶۵۱۶	۰/۳۸۳۰۲	ارزش تعدیل شده

طبق داده های جدول شماره (۵)، این پژوهش و فراتحلیل به منظور کامل شدن نیاز به هیچ پژوهشی ندارد. همچنین نتایج نشان می دهد که بر اساس مدل اثرات ثابت، برآورد نقطه ای و فاصله اطمینان برای تحقیقات ترکیب یافته برابر با (۰/۳۶۵۱۶ ، ۰/۴۰۰۶۰) (۰/۳۸۳۰۲) است. با استفاده از رویه چینش و تکمیل، برآورد نقطه ای و فاصله اطمینان متناسب برابر با (۰/۳۸۳۰۲ ، ۰/۳۶۵۱۶) (۰/۴۰۰۶۰) شده است. همچنین بر اساس مدل اثرات تصادفی، برآورد نقطه ای و فاصله اطمینان برای تحقیقات ترکیب یافته برابر با (۰/۳۲۳۷۵ ، ۰/۴۳۷۰۳) (۰/۳۸۱۸۳) است. با استفاده از رویه چینش و تکمیل، برآورد نقطه ای و فاصله اطمینان متناسب برابر با (۰/۳۸۱۸۳ ، ۰/۴۳۷۰۳) (۰/۳۲۳۷۵) شده است. همانطور که ملاحظه می شود، ارزش مشاهده شده و تعدیل شده در مدل اثرات ثابت و ارزش مشاهده شده و تعدیل شده در مدل اثرات تصادفی، برابر است. این برابری نشان می دهد که نیازی به مطالعه مورد نیاز وجود ندارد.

۸-۵- همبستگی رتبه ای بگ و مزومدر:

آزمون همبستگی بگ و مزومدر، همبستگی رتبه ای (تاوکندال) بین اندازه اثر استاندارد و واریانس (یا خطای استاندارد) این اثرات را گزارش می کند. ضریب همبستگی تاو تا حد بسیار زیادی همانند هر نوع همبستگی دیگر تعبیر و تفسیر می شود، که تفسیر این ضریب به این صورت است که در آن مقدار صفر، دال بر نبود رابطه بین اندازه اثر و دقت است و انحراف از صفر از وجود رابطه حکایت می کند. اگر عدم تقارن ناشی از سوگیری انتشار باشد، انتظار این است که در ارتباط با اندازه های اثر بزرگتر، خطای استاندارد بیشتری مشاهده شود. نتایج حاصل از بررسی روش همبستگی بگ و مزومدر، به منظور بررسی سوگیری انتشار به شرح جدول زیر است:

جدول (۶): نتایج حاصل از بررسی روش همبستگی رتبه‌ای بگ و مزومدار

سطح معناداری p-value		z- value	مقدار ضریب کندال (tau)	شاخص آماری نتایج
یک دامنه	دو دامنه			
۰/۰۵۶۵۳	۰/۱۱۳۰۵	۱/۵۸۴۶۳	-۰/۲۳۷۱۵	

بر طبق اطلاعات جدول شماره (۹)، مقدار تائوکندال برابر با $-۰/۲۳۷۱۵$ شده است که با توجه به مقدار معناداری یک دامنه ($P=0/05653$) و دو دامنه ($P=0/11305$) باید گفت که اگرچه بین اندازه اثر و دقت رابطه وجود دارد اما این رابطه معنادار نیست و فرض صفر مبنی بر متقارن بودن نمودار کیفی و عدم سوگیری انتشار تأیید می‌شود.

۹-۵- رگرسیون خطی اگر:

در نبود سوگیری انتشار انتظار می‌رود در پژوهش‌های کوچک اثر استاندارد کوچک و در پژوهش‌های بزرگ، اثر استاندارد بزرگ مشاهده شود. این حالت خط رگرسیونی را ایجاد می‌کند که برشی از خط رگرسیون اصلی است. اگر برش خط رگرسیونی با سطح مورد انتظار تفاوت داشته باشد، علت آن ممکن است سوگیری انتشار باشد (نیازی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳). نتایج حاصل از بررسی روش رگرسیون خطی اگر، برای بررسی سوگیری انتشار به شرح جدول شماره (۷) است.

جدول (۷): نتایج حاصل از بررسی روش رگرسیون خطی اگر

سطح معناداری p-value		t- value	خطای استاندارد (SE)	برش (B)
یک دامنه	دو دامنه			
۰/۱۰۷۹۷	۰/۲۱۵۹۵	۱/۲۷۵۸۳	۳۵/۵۷۴۳۰	-۴۵/۳۸۶۷۳

بر اساس نتایج رگرسیون خطی اگر، فرض صفر مبنی بر متقارن بودن و نداشتن سوگیری انتشار تأیید می‌شود. بر اساس نتایج رگرسیون خطی اگر، برش برابر با $-۴۵/۳۸۶۷۳$ و فاصله اطمینان ۹۵ درصد برابر با $۱/۲۷۵۸۳$ است. از آنجا که مقدار P یک دامنه $۰/۱۰۷۹۷$ و دو دامنه $۰/۲۱۵۹۵$ است، فرض صفر مبنی بر متقارن بودن نمودار کیفی و نداشتن سوگیری انتشار تأیید می‌شود.

۱۰-۵- N ایمن از خطا:

آزمون N ایمن از خطا روزنتال تعداد مطالعات گمشده (با میانگین اثر برابر با صفر) یعنی تعداد مطالعات مؤید فرضیه صفر را که باید به تحلیل اضافه شود و از لحاظ آماری یک اثر کلی غیرمعنادار به دست داده و نتیجه را تغییر دهد پیشنهاد می‌کند (نیازی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۸). نتایج حاصل از این روش به شرح جدول زیر است.

جدول (۸): نتایج حاصل از بررسی روش N ایمن از خطا

مقدار	شاخص
۳۸/۰۰۷۴۲	مقدار Z برای مطالعات مشاهده شده
۰/۰۰۰	مقدار P برای مطالعات مشاهده شده
۰/۰۵۰۰	آلفا
۲/۰۰۰۰۰	باقیمانده
۱/۹۵۹۹۶	Z برای آلفا
۲۳	تعداد مطالعات مشاهده شده
۸۶۲۷	تعداد مطالعات گمشده که P را به آلفا می‌رساند

با توجه به جدول شماره (۸) در می‌یابیم باید ۸۶۲۷ پژوهش دیگر انجام و بررسی شود تا مقدار P دو سویه ترکیب شده از ۰/۰۵ تجاوز نکند و تنها در این صورت است که در نتایج نهایی محاسبات و تحلیل‌ها خطا رخ می‌دهد. این نتیجه دقت و درستی اطلاعات و نتایج بدست آمده از این پژوهش را نشان می‌دهد.

داده‌های جدول شماره (۹) نشان می‌دهد که میانگین اثر فرهنگ سیاسی (اثرات ترکیبی تصادفی) بر میزان مشارکت سیاسی در نمونه مورد پژوهش معادل ۰/۳۸۲ هست. چون این اندازه برآورد در محدوده اطمینان است، لذا باید گفت تأثیر فرهنگ سیاسی بر میزان مشارکت سیاسی تأیید می‌شود. لازم به ذکر است برآورد نقطه‌ای به دست آمده (۰/۳۸۲) بر مبنای معیار کوهن، حاکی از اثر در حد متوسط رو به بالا می‌باشد. پس در مجموع باید گفت فرهنگ سیاسی در سطح متوسط ولی رو به بالایی می‌تواند بر میزان مشارکت سیاسی موثر باشد.

جدول (۹): نتایج حاصل از اندازه اثر مطالعات رابطه فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی

موضوع	تعداد مطالعات	اندازه اثر	حد پایین	حد بالا	z-value	p-value
فرهنگ سیاسی سیاسی به مشارکت سیاسی	۲۳	۰/۳۸۲	۰/۳۲۴	۰/۴۳۷	۱۱/۸۷۸	۰/۰۰۰

در نهایت ناهمگونی یافته‌ها نشان از وجود متغیری تعدیل‌کننده نیز دارد که نتایج بررسی روی متغیرهای بدست آمده را تحت تأثیر قرار داده است. در چنین شرایطی فراتحلیل گران باید متغیر یا متغیرهای مداخله‌گری را بررسی نمایند که ممکن است این ناهمگونی به علت تأثیر احتمالی آنها رخ داده باشد. این کار به وسیله طبقه‌بندی داده‌ها به حداقل دو گروه فرعی با توجه به متغیرهایی که به طور نظری برای این گروه‌بندی مناسب هستند صورت می‌گیرد (متغیرهایی مانند جنس یا سطح تحصیلات). سپس برای هر کدام از گروه‌های فرعی فراتحلیل‌های جداگانه‌ای انجام می‌شود (رضایی‌منش و عباس‌پور، ۱۳۹۴: ۸۳). در فراتحلیل مطالعات فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی با توجه به اینکه ویژگی‌های نمونه‌های آماری مطالعات مورد نظر کاملاً تفکیک شده و شفاف نبود، امکان تقسیم مطالعات به زیرگروه‌ها براساس متغیرهای تعدیل‌گر وجود نداشت. بنابراین، محققین در شناسایی متغیرهای تعدیل‌کننده با محدودیت مواجه بودند.

۶- نتیجه گیری:

فرا تحلیل با یکپارچه کردن نتایج حاصل از پژوهش‌های مختلف که بر نمونه‌های متعدد اجرا شده‌اند دیدگاه جامع‌تری از اثر متغیرهای مختلف به دست می‌دهد، در واقع با کنار هم قرار دادن نتایج حاصل از انجام یک پژوهش بر نمونه‌ای از یک جامعه، افراد مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد. چنین یافته‌هایی در جوامعی چون جامعه ما که گوناگونی بیشتری دارد، مهم‌تر است؛ چراکه این گوناگونی تفاوت بیشتری را به همراه دارد. به ناچار باید اطلاعات متعددی را از نمونه‌های مختلف این جامعه، در دست داشت تا با یکپارچه کردن این اطلاعات، شباهت‌ها را به دست آورد و با تفاوت‌ها به طرز مناسبی برخورد کرد (شریعت و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۲). در پژوهش حاضر تلاش شده است که رابطه فرهنگ سیاسی با مشارکت سیاسی به روشی متفاوت‌تر و جامع‌تر مورد بررسی قرار گیرد. در همه ۲۳ نمونه مورد بررسی در رابطه میان فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی با اطمینان ۹۹ درصد ارتباط معناداری میان فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی وجود دارد، در پژوهش (۱-۱) فرهمند و همکاران به بررسی رابطه فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی ذهنی پرداخته‌اند که اندازه اثر مربوط به این پژوهش ۰/۱۶۷ می‌باشد که بر طبق معیار کوهن میزان اندازه اثر این پژوهش پایین تفسیر می‌شود. در پژوهش (۱-۲) فرهمند و همکاران به بررسی رابطه فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی عینی پرداخته‌اند که اندازه اثر مربوط به این پژوهش ۰/۱۷۳ می‌باشد که بر طبق معیار کوهن میزان اندازه اثر این پژوهش پایین تفسیر می‌شود. در پژوهش (۱-۳) فرهمند و همکاران به بررسی رابطه فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی (کل) پرداخته‌اند که اندازه اثر مربوط به این پژوهش ۰/۱۷۹ می‌باشد که بر طبق معیار کوهن میزان اندازه اثر این پژوهش پایین تفسیر می‌شود. همچنین، فرهمند و همکاران (۱۳۹۵) در این پژوهش به این نتیجه رسیده‌اند که یافته‌های پژوهش حاضر از فرضیه تحقیق مبنی بر رابطه مثبت بین متغیر فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی حمایت می‌کنند. به عبارتی، هرچه فرهنگ سیاسی بالاتر باشد، میزان مشارکت سیاسی بیشتر است. همچنین، از بین ابعاد فرهنگ سیاسی بین دو بعد رضایت از دولت و عملکرد نهادها با مشارکت سیاسی همبستگی مثبت و معنادار وجود داشت. این نتیجه، بیانگر این نظریه میلبراث و گوئل می‌باشد که معتقدند زمینه و محیط سیاسی بر میزان مشارکت سیاسی فرد مؤثر است؛ از این نظر که فرهنگ سیاسی ممکن است مشارکت و تشکل‌های مشارکت را که مناسب تلقی می‌گردد، تشویق کند یا برعکس، مشوق مشارکت نباشد. بر این اساس، این نوع مشارکت تا حدودی متأثر از فرهنگ سیاسی و طرز تلقی از نظام سیاسی است و فرهنگ سیاسی، یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده در چگونگی ساخت قدرت و نیز میزان علاقه‌یابی تفاوتی نسبت به مشارکت سیاسی است. پای معتقد است که عاملین دارای فرهنگ سیاسی بالا در امر تصمیم‌گیری دخالت می‌کنند و نسبت به رفتارهای سیاسی حساس هستند و به تبع آن میزان آگاهی سیاسی، رضایت سیاسی، احساس اثر بخشی سیاسی و میزان مشارکت سیاسی مردم افزایش می‌یابد (فرهمند و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۹).

در پژوهش (۲-۱) امام‌جمعه‌زاده و همکاران به بررسی رابطه فرهنگ سیاسی و رأی دادن پرداخته‌اند که اندازه اثر مربوط به این پژوهش ۰/۳۹۰ می‌باشد که بر طبق معیار کوهن میزان اندازه اثر این پژوهش متوسط رو به بالا تفسیر می‌شود. در پژوهش (۲-۲) امام‌جمعه‌زاده و همکاران به بررسی رابطه فرهنگ سیاسی و فعالیت‌های انتخاباتی پرداخته‌اند که اندازه اثر مربوط به این پژوهش ۰/۳۵۰ می‌باشد که بر طبق معیار کوهن میزان اندازه اثر این پژوهش متوسط رو به بالا تفسیر می‌شود. در پژوهش (۳-۲) امام‌جمعه‌زاده و همکاران به بررسی رابطه فرهنگ سیاسی و رفتارهای سیاسی انتخاباتی پرداخته‌اند که اندازه اثر مربوط به این پژوهش ۰/۳۵۴ می‌باشد که بر طبق معیار کوهن میزان اندازه اثر این پژوهش متوسط رو به بالا تفسیر می‌شود. در پژوهش (۲-۴) امام‌جمعه‌زاده و همکاران به بررسی رابطه فرهنگ سیاسی و تماس با مسئولان پرداخته‌اند که اندازه اثر مربوط به این پژوهش ۰/۴۶۰ می‌باشد که بر طبق معیار کوهن میزان اندازه اثر این پژوهش متوسط رو به بالا تفسیر می‌شود. در پژوهش (۲-۵) امام‌جمعه‌زاده و همکاران به بررسی رابطه فرهنگ سیاسی و اعتراض پرداخته‌اند که اندازه اثر مربوط به این پژوهش ۰/۳۰۰ می‌باشد که بر طبق معیار کوهن میزان اندازه اثر این پژوهش متوسط تفسیر می‌شود. در پژوهش (۲-۶) امام‌جمعه‌زاده و همکاران به بررسی رابطه فرهنگ سیاسی و عضویت در گروه‌های سیاسی پرداخته‌اند که اندازه اثر مربوط به این پژوهش ۰/۴۷۰ می‌باشد که بر طبق معیار کوهن میزان اندازه اثر این پژوهش متوسط رو به بالا تفسیر می‌شود. در پژوهش (۲-۷) امام‌جمعه‌زاده و همکاران به بررسی رابطه فرهنگ سیاسی و رفتارهای سیاسی غیرانتخاباتی پرداخته‌اند که اندازه اثر مربوط به این پژوهش ۰/۴۹۵ می‌باشد که بر طبق معیار کوهن میزان اندازه اثر این پژوهش متوسط رو به بالا تفسیر می‌شود. همچنین، امام‌جمعه‌زاده و همکاران (۱۳۹۲) در این پژوهش به این نتیجه رسیده‌اند که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میان همه ابعاد فرهنگ سیاسی و ابعاد رفتار سیاسی رابطه‌ای مثبت وجود دارد. نتایج فوق نشان می‌دهد فرهنگ سیاسی زنان، که حکایت از مجموعه باورها، گرایش‌ها، بینش‌ها، ارزش‌ها، معیارها، و عقاید سیاسی به وجود آمده در طول زمان است، بر میزان روی آوردن آنها به فعالیت‌های سیاسی مؤثر است (امام‌جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۲).

در پژوهش (۳) پناهی و عالی زاد به بررسی رابطه فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی پرداخته‌اند که اندازه اثر مربوط به این پژوهش ۰/۵۲۹ می‌باشد که بر طبق معیار کوهن میزان اندازه اثر این پژوهش بالا تفسیر می‌شود. همچنین، پناهی و عالی‌زاد (۱۳۸۴) در این

پژوهش به این نتیجه رسیده‌اند که رشد آگاهی‌های سیاسی - اجتماعی افراد جامعه تا حد زیادی مرهون وسایل ارتباط جمعی است و نگرش‌ها، ارزش‌ها و به طور کلی فرهنگ سیاسی آن‌ها از وسایل ارتباط جمعی تأثیر می‌پذیرد و بخشی از افکار و مفاهیمی که افراد با آن‌ها تفکرات و نظرات خود را در خصوص واقعیت سازمان می‌دهند، از این وسایل اخذ می‌شود و در نهایت بر میزان مشارکت سیاسی اثر می‌گذارند. این وسایل، به طور غیر مستقیم و از طریق تأثیری که بر فرهنگ سیاسی و اثربخشی سیاسی می‌گذارند، انگیزه‌های سیاسی را تحریک می‌کنند. بدین ترتیب، مجموعه این عوامل می‌تواند وسایل ارتباط جمعی را به ایفای نقش مهمی در فرآیند تصمیم‌گیری افراد جامعه رهنمون کند (پناهی و عالی زاد، ۱۳۸۴: ۱۲۵).

در پژوهش (۴) رهبر قاضی و همکاران به بررسی رابطه فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی فعالان پرداخته‌اند که اندازه اثر مربوط به این پژوهش ۰/۲۱۰ می‌باشد که بر طبق معیار کوهن میزان اندازه اثر این پژوهش پایین تفسیر می‌شود. همچنین، رهبر قاضی و همکاران (۱۳۹۶) در این پژوهش به این نتیجه رسیده‌اند که فرهنگ سیاسی دموکراتیک هرچند بر روی مشارکت سیاسی فعالان تأثیر مثبتی دارد؛ اما نمی‌تواند بر روی مشارکت منفعلانه یا همان رأی‌دادن در انتخابات تأثیر گذارد؛ به عبارت دیگر رأی‌دادن در انتخابات احتمالاً بیش از آن که تحت تأثیر فرهنگ دموکراتیک باشد تحت تأثیر عوامل دیگری از قبیل متغیرهای دینی، تعهد سیاسی، تکلیف شرعی و مسائلی از این قبیل می‌باشد و فرهنگ دموکراسی در این زمینه در جامعه مورد بررسی نقش خیلی کم‌رنگی بازی می‌کند؛ اما به نظر می‌رسد رابطه فرهنگ مرمسالارانه و مشارکت فعالان به گونه دیگری است؛ شاید یکی از دلایل این امر آن است که در ایران عوامل زیادی بر روی انتخابات تأثیر می‌گذارند و متغیرهای زیادی باعث می‌شوند تا شهروندان در انتخابات شرکت کنند به همین دلیل نقش فرهنگ سیاسی دموکراتیک در میان این عوامل گوناگون کم‌رنگ می‌شود؛ اما در ایران بر روی سایر وجوه مشارکت سیاسی از قبیل نوشتن گزارش در مورد مسائل سیاسی، فعالیت در تشکلهای مختلف سیاسی و مواردی از این قبیل که در این پژوهش با عنوان مشارکت فعالان نام برده شده است، چندان تأکیدی نمی‌شود؛ به همین دلیل فرهنگ سیاسی مردم‌سالارانه که به عنوان امری ذهنی و روانشناختی تعریف می‌شود باعث علاقه‌مندی و گرایش ذاتی افراد برای فعالیت در حوزه‌های سیاسی می‌گردد؛ به طوری که عوامل دیگر چندان نمی‌توانند که گرایش‌های مشارکت‌جویانه افراد را تعدیل نمایند (رهبر قاضی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۶).

در پژوهش (۵-۱) صفاری بادی به بررسی رابطه فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی انتخاباتی پرداخته‌است، که اندازه اثر مربوط به این پژوهش ۰/۵۳۶ می‌باشد که بر طبق معیار کوهن میزان اندازه اثر این پژوهش بالا تفسیر می‌شود. در پژوهش (۵-۲) صفاری بادی به بررسی رابطه فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی غیر انتخاباتی پرداخته‌است، که اندازه اثر مربوط به این پژوهش ۰/۴۸۰ می‌باشد که بر طبق معیار کوهن میزان اندازه اثر این پژوهش متوسط رو به بالا تفسیر می‌شود. در پژوهش (۳-۵) صفاری بادی به بررسی رابطه فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی اعتراضی پرداخته‌است، که اندازه اثر مربوط به این پژوهش ۰/۱۸۲ می‌باشد که بر طبق معیار کوهن میزان اندازه اثر این پژوهش پایین تفسیر می‌شود. در پژوهش (۵-۴) صفاری بادی به بررسی رابطه فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی (کل) پرداخته‌است، که اندازه اثر مربوط به این پژوهش ۰/۵۸۵ می‌باشد که بر طبق معیار کوهن میزان اندازه اثر این پژوهش بالا تفسیر می‌شود. همچنین، صفاری بادی (۱۳۹۵) در این پژوهش به این نتیجه رسیده‌است که از مهمترین عوامل اثرگذار بر میزان مشارکت سیاسی افراد، متغیر فرهنگ سیاسی بوده است. این ضریب با مقدار ۰/۴۷ قابل توجه است. به عبارتی دیگر هرچه فرهنگ سیاسی افراد بیشتر باشد و شناخت بیشتری نسبت به قوانین و مقررات جامعه داشته باشند، اعتماد بیشتری نسبت به نهادها و اشخاص حکومتی داشته باشند، وفاداری و علاقه‌شان نسبت به مسائل داخلی و کلی کشورشان بیشتر باشد، ارزیابی‌شان از عملکردهای مختلف حکومتی مثبت‌تر باشد، مشارکت سیاسی بیشتری خواهند داشت. در راستای توضیح و تفسیر این موضوع می‌توان اظهار داشت که فرهنگ سیاسی دموکراتیک می‌تواند باعث علاقه‌مندی افراد به مسائل سیاسی و ورود آنان به عرصه‌های سیاست بشود اما در مقابل، وجود نوعی فرهنگ غیردموکراتیک و نظام تنبیهی باعث کاهش مشارکت افراد در عرصه‌های سیاسی می‌شود (صفاری بادی، ۱۳۹۵: ۱۳۹).

در پژوهش (۱-۶) شاعری به بررسی رابطه فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی رسمی پرداخته‌است، که اندازه اثر مربوط به این پژوهش ۰/۳۳۴ می‌باشد که بر طبق معیار کوهن میزان اندازه اثر این پژوهش متوسط رو به بالا تفسیر می‌شود. در پژوهش (۲-۶) شاعری به بررسی رابطه فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی غیررسمی پرداخته‌است، که اندازه اثر مربوط به این پژوهش ۰/۲۰۵ می‌باشد که بر طبق معیار کوهن میزان اندازه اثر این پژوهش پایین تفسیر می‌شود. در پژوهش (۳-۶) شاعری به بررسی رابطه فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی پرداخته‌است، که اندازه اثر مربوط به این پژوهش ۰/۳۳۰ می‌باشد که بر طبق معیار کوهن میزان اندازه اثر این پژوهش متوسط رو به بالا تفسیر می‌شود. همچنین، شاعری (۱۳۹۵) در این پژوهش به این نتیجه رسیده‌است که بین فرهنگ سیاسی با مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد. بدین طریق که پاسخگويانی که فرهنگ سیاسی بالاتری دارند، مشارکت سیاسی بیشتری دارند. نتایج حاصل از آزمون پیرسون نشان‌دهندهی رابطه معنادار میان این دو متغیر است. به نحوی که تفاوت میانگین‌های پاسخگويانی که فرهنگ سیاسی بالا، متوسط و پایین دارند تأیید کنندهی این رابطهی معنادار است. به نحوی که ارتباط بین دو متغیر فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی در سطح

معدناداری ۰/۰۰۰ و با ضریب همبستگی ۰/۳۴۴ معنادار است. این یافته تأیید کننده‌ی فرضیه‌ی پژوهش است؛ و همسو با نظرات وبر و اینگلهارت است (صفاری بادی، ۱۳۹۵: ۲۳۷).

در پژوهش (۷) جوج و گله‌دار به بررسی رابطه فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی پرداخته‌اند، که اندازه اثر مربوط به این پژوهش ۰/۴۳۲ می‌باشد که بر طبق معیار کوهن میزان اندازه اثر این پژوهش متوسط رو بالا تفسیر می‌شود. همچنین، جوج و گله‌دار (۱۳۹۱) در این پژوهش به این نتیجه رسیده‌اند که بین فرهنگ سیاسی با مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد (جوج و گله‌دار، ۱۳۹۱: ۷).

در پژوهش (۸) بهروزیان و همکاران به بررسی رابطه فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی پرداخته‌اند، که اندازه اثر مربوط به این پژوهش ۰/۴۴۰ می‌باشد که بر طبق معیار کوهن میزان اندازه اثر این پژوهش متوسط رو بالا تفسیر می‌شود. همچنین، بهروزیان و همکاران (۱۳۹۶) در این پژوهش به این نتیجه رسیده‌اند که نتایج آزمون رگرسیون بین فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی نشان داد که این دو متغیر باهم همبستگی قابل توجهی دارند، به‌طوری‌که ابعاد متغیر فرهنگ سیاسی می‌تواند ۳۷ درصد تغییرات مشارکت سیاسی را تبیین کند. علاوه بر فرضیه اصلی پژوهش، فرضیات مطرح‌شده نیز که ناظر بر رابطه مشارکت سیاسی با مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی بود، تأیید شدند. به زعم سریع‌القلم، آنچه مردم تجربه کرده و می‌کنند و آنچه آنها حس می‌کنند و تطابقی که میان حس و تجربه خود از یک طرف و نمادها و نهادهای سیاسی از طرف دیگر برقرار می‌کنند، فرهنگ سیاسی را شکل می‌دهد و حفظ می‌کند و در آنی که بنیان‌های این تطابق تضعیف شود یا علایم واگرایی در آنها مشاهده گردد یا ازسوی عامه مردم حس شود، فرهنگ سیاسی دچار تحول می‌شود. دگرگونی بینش و نگرش سیاسی، حضور گسترده افراد جامعه را در امور سیاسی را به همراه خواهد شد که به توسعه سیاسی پایدار منجر می‌شود (بهروزیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۵ - ۱۳۴).

در پژوهش (۹) بنی‌فاطمه به بررسی رابطه فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی پرداخته‌است، که اندازه اثر مربوط به این پژوهش ۰/۵۹۳ می‌باشد که بر طبق معیار کوهن میزان اندازه اثر این پژوهش بالا تفسیر می‌شود. همچنین، بنی‌فاطمه (۱۳۸۸) به این نتیجه رسیده‌است که بین فرهنگ سیاسی با مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد (بنی‌فاطمه، ۱۳۸۸: ۱۴۱).

در پژوهش (۱۰) صحرایی به بررسی رابطه فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی پرداخته‌است، که اندازه اثر مربوط به این پژوهش ۰/۴۰۰ می‌باشد که بر طبق معیار کوهن میزان اندازه اثر این پژوهش متوسط رو بالا تفسیر می‌شود. همچنین، صحرایی (۱۳۸۷) به این نتیجه رسیده‌است که بین فرهنگ سیاسی جوانان با مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد (صحرایی، ۱۳۸۷: ۱۴۰).

بر طبق نتایج چینی و تکمیل دووال و تونیدی، این پژوهش و فراتحلیل به منظور کامل شدن نیاز به هیچ پژوهشی ندارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که بر اساس مدل اثرات ثابت، برآورد نقطه‌ای و فاصله اطمینان برای تحقیقات ترکیب یافته برابر با (۰/۳۶۵۱۶)، (۰/۴۰۰۶۰/۳۸۳۰۲) است. با استفاده از رویه چینش و تکمیل، برآورد نقطه‌ای و فاصله اطمینان منتسب برابر با (۰/۳۸۳۰۲/۳۶۵۱۶) شده است. همچنین بر اساس مدل اثرات تصادفی، برآورد نقطه‌ای و فاصله اطمینان برای تحقیقات ترکیب یافته برابر با (۰/۳۲۳۷۵/۴۳۷۰۳)، (۰/۳۸۱۸۳) است. با استفاده از رویه چینش و تکمیل، برآورد نقطه‌ای و فاصله اطمینان منتسب برابر با (۰/۳۸۱۸۳/۴۳۷۰۳/۳۲۳۷۵) شده است. همانطور که ملاحظه می‌شود، ارزش مشاهده شده و تعدیل شده در مدل اثرات ثابت و ارزش مشاهده شده و تعدیل شده در مدل اثرات تصادفی، برابر است. این برابری نشان می‌دهد که نیازی به مطالعه مورد نیاز وجود ندارد. همچنین بر طبق نتایج آزمون بگ و مزومدار، مقدار تائوکندال برابر با ۰/۲۳۷۱۵- شده است که با توجه به مقدار معناداری یک دامنه (P=0/05653) و دو دامنه (P=0/11305) باید گفت که اگرچه بین اندازه اثر و دقت رابطه وجود دارد اما این رابطه معنادار نیست و فرض صفر مبنی بر متقارن بودن نمودار کیفی و عدم سوگیری انتشار تأیید می‌شود. در ضمن براساس نتایج رگرسیون خطی اگر، فرض صفر مبنی بر متقارن بودن و نداشتن سوگیری انتشار تأیید می‌شود. بر اساس نتایج رگرسیون خطی اگر، برش برابر با ۴۵/۳۸۶۷۳- و فاصله اطمینان ۹۵ درصد برابر با ۱/۲۷۵۸۳ است. از آنجا که مقدار P یک دامنه ۰/۱۰۷۹۷ و دو دامنه ۰/۲۱۵۹۵ است، فرض صفر مبنی بر متقارن بودن نمودار کیفی و نداشتن سوگیری انتشار تأیید می‌شود. نتایج آزمون N ایمن از خطا نیز نشان می‌دهند که باید ۸۶۲۷ پژوهش دیگر انجام و بررسی شود تا مقدار P دو سویه ترکیب شده از ۰/۰۵ تجاوز نکند و تنها در این صورت است که در نتایج نهایی محاسبات و تحلیل‌ها خطا رخ می‌دهد. این نتیجه دقت و درستی اطلاعات و نتایج بدست آمده از این پژوهش را نشان می‌دهد. همچنین نتایج فراتحلیل نشان داد که میانگین اثر فرهنگ سیاسی (اثرات ترکیبی تصادفی) بر میزان مشارکت سیاسی در نمونه مورد پژوهش معادل ۰/۳۸۲ هست. چون این اندازه برآورد در محدوده اطمینان است، لذا باید گفت تأثیر فرهنگ سیاسی بر میزان مشارکت سیاسی تأیید می‌شود. لازم به ذکر است برآورد نقطه‌ای به دست آمده (۰/۳۸۲) بر مبنای معیار کوهن، حاکی از اثر در حد متوسط رو به بالا می‌باشد. پس در مجموع باید گفت فرهنگ سیاسی در سطح متوسط ولی رو به بالایی می‌تواند بر میزان مشارکت سیاسی موثر باشد. همچنین نتایج این پژوهش با پژوهش‌های (فرهمند و همکاران، ۱۳۹۵؛ امام جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۲؛ پناهی و عالی زاد، ۱۳۸۴؛

رهبر قاضی و همکاران، ۱۳۹۶؛ صفاری بادی، ۱۳۹۵؛ شاعری، ۱۳۹۵؛ جوج و گله‌دار، ۱۳۹۱؛ بهروزیان و همکاران، ۱۳۹۶؛ بنی فاطمه، ۱۳۸۸ و صحرایی (۱۳۸۷) همسو می‌باشد.

منابع:

- ادیبی سده، مهدی و مسیح الله کیهانی (۱۳۸۵) عوامل موثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه اصفهان، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال اول، پیش شماره اول، صص ۱۷۶ - ۱۰۱
- ازغندی، علیرضا و ابودر دلآور (۱۳۸۹) نقش فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم در سقوط محمدرضا شاه (بررسی موردی نخست وزیری امیرعباس هویدا از بهمن ۱۳۴۳ تا مرداد ۱۳۵۶)، رهیافت های سیاسی و بین المللی، شماره ۲۳، صص ۷۶ - ۵۱
- امینی، علی اکبر و محمد علی خسروی (۱۳۸۹) تاثیر فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی زنان و دانشجویان، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دوم، شماره ۷، صص ۱۴۲ - ۱۲۷
- امام جمعه زاده، سیدجواد، حورا ابراهیمی پور، محمودرضا رهبرقاضی و سید مرتضی نوعی باغبان (۱۳۹۲) سنجش رابطه فرهنگ سیاسی و رفتار سیاسی دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۱۳۴ - ۱۱۹
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳) تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، انتشارات کویر
- بشیریه، حسین (۱۳۹۱) انقلاب و بسیج سیاسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم
- بشیریه، حسین (۱۳۹۳) جامعه شناسی سیاسی؛ نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران، نشر نی، چاپ بیست و سوم
- بشیریه، حسین (۱۳۹۴) موانع توسعه سیاسی در ایران، تهران، انتشارات گام نو، چاپ نهم
- بنی فاطمه، سمیه السادات (۱۳۸۸) فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی زنان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی
- بهروزیان، بهروز، سهیلا عزیزی و جواد بهروزیان (۱۳۹۶) سنجش پیوستگی فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی دانشجویان (مورد مطالعه دانشگاه لرستان)، دوفصلنامه مطالعات انتخابات، سال ششم، شماره ۱۴ و ۱۵، صص ۱۴۰ - ۱۰۹
- پناهی، محمد حسین و حسین کردی (۱۳۸۹) فرهنگ سیاسی و عوامل اجتماعی آن: مطالعه موردی استان گلستان، فصلنامه علوم اجتماعی شماره ۵۱، صص ۳۷ - ۱
- پناهی، محمد حسین و سمیه السادات بنی فاطمه (۱۳۹۴) «فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی زنان»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۶۸، صص ۵۶ - ۳۵
- پناهی، محمد حسین و اسماعیل عالی زاد (۱۳۸۴) تأثیر وسایل ارتباط جمعی بر مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۱۲، شماره ۲۲۹ و ۲۸، صص ۱۳۱ - ۸۹
- حیدری، آرمان، اسفندیار محمدی و شهلا باقری (۱۳۹۶) بررسی رابطه اعتماد نهادی با گونه های مشارکت سیاسی (مورد مطالعه شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن شهر شیراز)، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ششم، شماره بیست و سوم، صص ۱۷۲ - ۱۴۱
- خسروی، محمدعلی و شهره شهنساری فرد (۱۳۹۵) فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم و کارآمدی سازمان های غیردولتی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه دولت پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۲، شماره ۸، صص ۲۲۹ - ۱۸۹
- خیراندیش، مهدی و سلیمه لطیفی جلیسه (۱۳۹۶) مطالعه ای در زمینه فراتحلیل پژوهش های هوش فرهنگی در سازمان، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، سال دوازدهم، شماره ۳۱، صص ۴۱-۶۵
- خوش فر، غلامرضا، صدیقه امینیان و شهربانو میرزاخانی (۱۳۹۶) تحلیل مشارکت سیاسی شهروندان؛ مطالعه موردی شهروندان شهر گرگان، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال نهم، شماره ۳۶، صص ۱۴۸ - ۱۱۹
- جوج، مرتضی و مجید گله دار (۱۳۹۱) عوامل موثر بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی شهروندان شهر تهران)، فصلنامه مطالعات انتخابات، سال اول، شماره ۲، صص ۳۱ - ۷
- رضایی منش، بهروز و جعفر عباس پور (۱۳۹۴) فراتحلیل ارتباط میان کیفیت زندگی کاری و تعهد سازمانی، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)، سال بیست و چهارم، شماره ۷۸، صص ۸۸ - ۶۵
- رهبرقاضی، محمودرضا، سمیه معتمدی و اعظم شهریاری (۱۳۹۶) تاثیر شبکه های اجتماعی بر مشارکت سیاسی با توجه به متغیرهای میانجی بحث سیاسی، اثربخشی سیاسی و فرهنگ سیاسی، فصلنامه مطالعات توسعه ای اجتماعی - فرهنگی، دوره ۶، شماره ۲، صص ۱۴۹ - ۱۲۷
- رهبر، مصطفی (۱۳۹۱) نقش ارتباطات میان فردی در مشارکت سیاسی؛ مطالعه موردی انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی در تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی

- زارعی، غفار (۱۳۹۶) بررسی عوامل موثر بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: معلمان شهرستان پارسیان)، فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه، سال هشتم، شماره سوم، صص ۳۲ - ۱۹
- زاهدی اصل، محمد و اعظم پیله وری (۱۳۹۵) فراتحلیل بر مطالعات حوزه اعتیاد و خانواده، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸، صص ۴۰ - ۲
- سبزی پور، حامد (۱۳۸۸) جامعه پذیری سیاسی، رشد علوم اجتماعی، دوره ی یازدهم، شماره ی ۴، صص ۴۵ - ۴۳
- سید ابریشمی، سید احسان و ارسطو کریمی (۱۳۹۱) کاربرد آزمون های آماری در تشخیص خطای انتشار در فراتحلیل اثرات ایمنی؛ نمونه موردی: فراتحلیل اثرات طرح های آرام سازی ترافیک شهری، مهندسی حمل و نقل، سال ۳، شماره ۳، صص ۲۲۶ - ۲۱۵
- شاعری، فاطمه (۱۳۹۵) بررسی نقش عوامل فرهنگی و اقتصادی موثر بر مشارکت سیاسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی
- شریعت، ارغوان، امیرقمرانی و احمد عابدی (۱۳۹۳) فراتحلیل اثربخشی مداخلات روان درمانی بر میزان افسردگی سالمندان از سال های ۸۹ - ۱۳۷۹ در ایران، سالمند، دوره ۹، شماره ۱، صص ۵۳ - ۴۶
- صبری کاشانی، منوچهر (۱۳۸۱) جامعه شناسی سیاسی، تهران، نشر سخن
- صحرایی، لیلا (۱۳۸۷) مشارکت سیاسی جوانان (نقش فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی جوانان شهر تهران)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی
- صادقی فسائی، سهیلا و عاطفه خادمی (۱۳۹۵) فراتحلیل چهار دهه پژوهش در حوزه مشارکت زنان، مطالعات روانشناسی اجتماعی زنان، سال ۱۴، شماره ۲، صص ۶۲ - ۳۵
- صفاری بادی، مجتبی (۱۳۹۵) بررسی تأثیر جامعه پذیری سیاسی بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی افراد بالای ۱۸ سال شهر نطنز)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران - دانشکده علوم اجتماعی
- عابدی، احمد، حمیدرضا عریضی و فاطمه محمدزاده (۱۳۸۵) درآمدی بر روش پژوهش فراتحلیل در تحقیقات آموزشی، حوزه و دانشگاه، سال دوازدهم، شماره ۴۹، صص ۱۴۰ - ۱۲۱
- عبدالله، عبدالمطلب (۱۳۹۶) تأثیر مولفه های مذهبی بر رفتار رأی دهی و مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی، فصلنامه علوم سیاسی، سال بیستم، شماره هفتاد و هفتم، صص ۵۴ - ۳۱
- عزیزی، حمید (۱۳۹۰) «بررسی تأثیر فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی؛ مطالعه موردی افراد بالای ۲۰ سال شهر بهبهان»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی
- علوی، پرویز (۱۳۹۳) ارتباطات سیاسی؛ ارتباطات، توسعه و مشارکت سیاسی، تهران، نشر علم نوین
- غفاری، غلامرضا و محسن نیازی (۱۳۸۶) جامعه شناسی مشارکت، تهران، نشر نزدیک
- غفاری، غلامرضا و عادل ابراهیمی لویه (۱۳۸۹) جامعه شناسی تغییرات اجتماعی، تهران، انتشارات آگرا، لویه، چاپ هفتم
- طباطبایی جبلی، زهرا، علی دلاور و احمد برجعلی (۱۳۹۳) فراتحلیل رابطه متغیرهای شخصیتی با استرس شغلی، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، سال پنجم، شماره ۱۹، صص ۱۲۱ - ۹۵
- طولابی زینب، یاسان الله پوراشرف و حیدر عباس پور (۱۳۹۶) فراتحلیل مطالعات فرسودگی شغلی در سازمان های آموزشی ایران؛ مطالعه موردی: مدارس ایران، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۱۳۵، صص ۱۰۰ - ۸۳
- فاضلی، محمد و غلامرضا خوش فر (۱۳۸۹) مشارکت سیاسی در استان گلستان، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۴، شماره ۳، صص ۱۰۰ - ۸۸
- فرهنگد مهناز، سمیه وکیلی قاسم آباد، الهه پوررجیمیان (۱۳۹۵) بررسی مشارکت سیاسی جوانان شهر یزد و عوامل موثر بر آن، مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، دوره ۱۵، شماره ۳۳، صص ۳۷ - ۱
- فلاح، فیروزه (۱۳۷۶) فرهنگ سیاسی و توسعه، کیهان فرهنگی، شماره ۱۳۲، صص ۶۸ - ۶۶
- قادری، ریحانه (۱۳۹۷) تأثیر فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی زنان با تأکید بر نقش انقلاب اسلامی ایران، پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال اول، شماره دوم، صص ۲۴۵ - ۲۲۱
- قالیباف، محمد باقر و سید موسی پورموسوی (۱۳۹۲) تأثیر فرهنگ سیاسی بر مشارکت شهروندان در حکومت محلی (مطالعه ی موردی: تهران)، فصلنامه پژوهشهای جغرافیای انسانی، دوره ۴۵، شماره ۲، صص ۸۹ - ۶۹
- قربانی زاده، وجه الله و سید طه حسن نانگیر (۱۳۹۳) راهنمای کاربردی فراتحلیل با نرم افزار CMS2، تهران، انتشارات جامعه شناسان
- مجدی نسب، محمد اسلام (۱۳۹۴) «مشارکت سیاسی چگونگی و چرایی»، تهران، انتشارات جامعه شناسان

- مسعودنیا، حسین و آسیه مهدی پور (۱۳۸۹) فرهنگ سیاسی قبیله‌ای و مشارکت سیاسی در استان ایلام، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، صص ۹۰ - ۶۱
- میر محمد تبار، سید احمد و محمد مظلوم خراسانی (۱۳۹۶) فراتحلیل تحقیقات انجام شده در حوزه مسائل اجتماعی ایران؛ با تأکید بر سوء مصرف مواد، مسائل اجتماعی ایران، سال هشتم، شماره ۱، صص ۱۴۵-۱۶۵
- لعل‌علیزاده، محمد (۱۳۹۳)، «جامعه‌شناسی سیاسی» تهران، نشر دانشگاه پیام نور، چاپ اول
- نیازی، محسن، محسن شاطریان و محمد امین پاک‌زمان قمی (۱۳۹۵) فراتحلیل مطالعات دینداری و سرمایه اجتماعی در ایران، دو فصلنامه علمی پژوهشی دین و سیاست فرهنگی، شماره ششم، صص ۱۰۹ - ۸۱
- نیازی، محسن، مهدی کارسنجی، ایوب سخایی و سید سعید حسین‌زاده آرائی (۱۳۹۶) فراتحلیل رابطه بین اینترنت و انزوای اجتماعی، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال یازدهم، شماره سوم، پیاپی (۳۹)، صص ۲۶ - ۱
- نژاد بهرام، زهرا (۱۳۸۸) موانع مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران، انتشارات رسانش، چاپ اول
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۹۳) سیاست و حکومت در اروپا (انگلستان، فرانسه، آلمان و ایتالیا)، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوازدهم
- نیازی، محسن، هادی افرا، اعظم نژادی و ایوب سخایی (۱۳۹۷) فراتحلیل رابطه سرمایه فرهنگی و سبک زندگی، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و نهم، شماره پیاپی (۷۲)، شماره چهارم، صص ۲۰ - ۱
- یزدان‌پناه، مسعود، کژال خدری، معصومه فروزانی و مسعود برادران (۱۳۹۷) نقش هویت، کلیشه‌های جنسیتی و خودکارآمدی بر مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۶، شماره ۴، صص ۶۱۹ - ۶۰۳.

-Streiner,D.L(2003) Meta – Analysis: A 12-Step program. Retrieved from: (<http://www.Eamh.net>).

- Imbrasaitė, J. (2010) What types of participation? : patterns of political participation in lithuania, Kultur Irvisomene, Socialiniu tyrimu Zurnalas, No 1, p-p 43-61

- Shojaei, Seyedeh Nosrat and Ku hasanita Ku samsu, Hossein Asayesh (2010) The Financial obstacles of Women`s political participation in Iran, Reportand opinion, No2, p-p 41-49

- Macaskill, P., Walter, S.D., Irwig, L. (2001). A comparison of methods to detect publication bias in meta-analysis. Statistics in Medicine, 20(4), 641-654